



# انترناسیونال ۴۵۱

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت [www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

جمعه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱، ۴ می ۲۰۱۲



## صدها نفر در سنندج به مناسبت اول مه دست به تظاهرات زدند

صفحه ۱۰

### اول مه ۲۰۱۲ در ایران

"به ۹۹ درصدی ها بپیوندیم" به حرکت در آمدند. این حرکت هم پاسخ دندان شکنی به جمهوری اسلامی بود و هم الگویی از اعتراض و مبارزه در برابر کارگران

برای جنبش کارگری و برای چپ و کمونیسم در ایران است. صدها نفر در این روز در شهر سنندج با برافراشتن پلاکاردهای سرخ و با شعار هایی چون "کارگران جهان متحد شوید"، "نان مسکن آزادی"،

برگزاری روز جهانی کارگر در خیابان سیروس در مرکز شهر سنندج، اتفاق درخشانی است که در اول مه امسال روی داد و این يك پیشروی بزرگ

شهلا دانشفر

ادامه صفحه ۸

### اول مه امسال یک پیشروی برای سوسیالیسم و طبقه کارگر در سطح جهان بود

میرفت از سالهای پیش هم وسیع تر و گسترده تر و هم تعرضی تر و

میکرد. اول مه امسال در شرایط بحران عمیق جهان سرمایه داری و سیاست های ریاضت اقتصادی برگزار شد و همانطور که انتظار

دو ویژگی اول مه امسال در سطح جهان را از سالهای قبل متمایز

اصغر کریمی

ادامه صفحه ۱۸

### بازتاب هفته

انتخابات فرانسه،  
جدال کاریکاتورها  
شهاب بهرامی

صراحت در تمامیت ارضی،  
سکوت پرسر رفاه مردم  
یاشار سهندی

صفحه ۵

### صفحات دیگر

قطعهنامه ی مصوب دفتر سیاسی:  
اوضاع سیاسی و جدال دو آلترناتیو طبقاتی در ایران

صفحه ۱۵

سازمان عفو بین الملل و سوراخ دعایی که گم شده است!

مینا احدی، صفحه ۳

انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و ادامه بهران

گفتگوی انترناسیونال با پاسکال دکامب، صفحه ۶

تعدادی از فراخوان ها و قطعهنامه های اول مه در ایران

پیام کارگران زندانی به مناسبت اول مه

ادامه صفحه ۴

## تب آلترناتیو سازی: از اوپاما تا خامنه ای!



مصطفی صابر

نیست. خواسته اند که فضای سیاسی قدری باز شود، نیمچه انتخاباتی (با شرکت برادران مغضوب) صورت بگیرد، رابطه با غرب بهبود یابد و غیره. یعنی اینها هم به سبک خاص خود برای آینده "آلترناتیو سازی" میکنند. از قضا در میان "آلترناتیو سازان" راست، کسانی مانند خاتمی و رفسنجانی و موسوی و کروبی دستکم در شرایط فعلی بیش از کسانی که در فکاهیات کنفرانس استکهلم و رویای "چلبی" شدن بسر میبرند و یا حتی بیش از رضا پهلوی که هر روز جلوی آینه ژست "سایه خدا بر زمین" را تمرین میکند، شانس این را دارند که مورد حمایت غرب و بورژوازی جهانی قرار گیرند.

نمونه قابل توجه اما بدرجه ای مغفول مانده از "آلترناتیو سازان" درون جمهوری اسلامی احمدی نژاد و "جریان انحرافی" اوست. احمدی نژاد مدتهاست که دارد با کوبیدن بر طبل ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و تلفیق کوروش پرستی با اسلام میکوشد نوعی بدیل و آلترناتیو برای جمهوری اسلامی فعلی فراهم آورد. حتی سعی کرده در هر فرصتی خود را طرف حساب

اشتباه است اگر تصور کنیم این تب "آلترناتیو سازی" برای جمهوری اسلامی که اخیرا اپوزیسیون راست و بورژوازی ایران (از اصلاح طلب تا جمهوری خواه و تا سلطنت طلب) را فرا گرفته، فقط به این اپوزیسیون محدود است. اگر از این بگذریم که بخش وسیعی از اپوزیسیون راست ایران در واقع جناح های مغضوب و از درگاه رانده شده اپوزیسیون اند، در خود اپوزیسیون رسمی، یعنی دست اندرکاران فعلی حکومت جمهوری اسلامی نیز کمتر کسی را میتوان یافت که باور کند رژیم فعلی بهمین سیاق دوام دارد و در نتیجه بنوعی در فکر و در تدارک "آلترناتیو" برای آینده نباشد!

امثال رفسنجانی و خاتمی که در مرز "فتنه" و "بصیرت" قرار دارند، به صراحت اعلام کرده اند که وضع فعلی بحرانی است و قابل دوام

# زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

## اوضاع سیاسی و جدال دو آلترناتیو طبقاتی در ایران

۱- بحران همه جانبه جمهوری اسلامی که از سالها قبل آغاز شده بود، اکنون بمراتب تشدید شده و وارد فاز تعیین کننده ای شده است. تشدید تحریمهای اقتصادی و انزوای بین المللی جمهوری اسلامی و تهدید جنگ و تضعیف موقعیت حکومت در منطقه در اثر مبارزات مردم و تضعیف بیش از پیش اسلام سیاسی، هر نوع افقی برای برون رفت رژیم از این شرایط را کور کرده است. این شرایط جنگ و جدال جناحهای حکومت را به ابعاد بیسابقه و غیر قابل کنترل رسانده است. امروز تخاصم شدید و علنی میان بلوکهای تا دیروز متحد در حکومت، بی اعتباری ولی فقیه، محاکمات و توطئه باندهای حکومتی علیه یکدیگر و افشاگری از دزدیها و اختلاسهای میلیاردری یکدیگر به یک امر عادی و روزمره تبدیل شده است.

۲- اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران هم از نظر بورژوازی و هم از نظر طبقه کارگر و مردم زحمتکش قابل دوام نیست و تغییر در شرایط حاضر امری مبرم و اجتناب ناپذیر است. نیاز به این امر جامعه را وارد فاز جدیدی از تقابل آلترناتیوهای گوناگون برای تغییر این اوضاع کرده است. از یک طرف افق و آلترناتیو بورژوائی با نیروها و احزاب رنگارنگ آن قرار دارد که اساسا خواهان تعدیل و یا تغییر حکومت از بالای سر مردم و تحمیل حکومت اقلیت سرمایه دار در لباس و ظاهر دیگری هستند. از سوی دیگر آلترناتیو انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی از همه مصائب جامعه طبقاتی بقدرت انقلابی توده مردم قرار دارد، که بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود.

۳- سیاستهای تاکتونی بورژوازی جهانی و بورژوازی ایران برای ایجاد تغییرات و تعدیلات مورد نظر خود

در رژیم اسلامی با ناکامی رویرو بوده و از همین رو گفتمان برای جایگزینی جمهوری اسلامی در بین برخی نیروها و دولتهای بورژوائی میدان بیشتری پیدا کرده است. با اینحال فقدان يك آلترناتیو سیاسی مناسب جایگزین جمهوری اسلامی برای بورژوازی و مهمتر از آن خطر بالقوه انقلاب کارگران و مردم زحمتکش دو عامل مهمی هستند که غرب را به تداوم سیاست پراگماتیستی تا کنونی خود یعنی رام کردن جمهوری اسلامی در چارچوب سیاستها و انتظارات غرب وامی دارد.

۴- بدنبال شکست اصلاح طلبان حکومتی و در متن بی اعتباری و افول جنبش اسلام سیاسی و نفرت مردم از جمهوری اسلامی و نیروهای بر آمده از این جنبش، اکنون بخشی از احزاب و فعالین جنبش ملی اسلامی (اصلاح طلبان حکومتی و خارج حکومت) وجه ملیگرایی و دموکراسی طلبی خود را پررنگتر کرده و تلاش میکنند به جناح پروغرب بورژوازی نزدیک شوند. این دو بخش بورژوازی سعی دارند با طرح های تکراری و شکست خورده تحت عناوینی مانند کنگره ملی، کنفرانس ملی، اتحاد برای دموکراسی و غیره، به عنوان جانشین جمهوری اسلامی مورد توجه و حمایت دولتهای غربی قرار گیرند.

۵- کلیه طرحها و نقشه ها و شعارهای تاکتونی اپوزیسیون بورژوائی از قبیل فرماندم، نافرمانی مدنی، انتخابات، اصلاحات در رژیم جمهوری اسلامی، و یا رژیم پنج و غیره همگی شکست خورده و به بن بست رسیده اند. با این وجود این نیروها تلاش میکنند در مقابل آلترناتیو انقلاب و در هم شکستن ارکان حکومت فعلی و دخالت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خود، به يك آلترناتیو

بورژوائی از بالای سر مردم در هماهنگی با بورژوازی غرب شکل بدهند. کنگره ها و سمینارها و طرح وحدتهای متعدد این اپوزیسیون در فضای سیاسی یکی دو سال اخیر تلاشی در این راستا است. الگوی قدرت گیری این نیروها و احزاب راست و بورژوائی اتکا به سناریوهای دولتهای بورژوازی غرب با رنگ و جلای "دموکراسی" و "حقوق بشر" و غیره است. اما فضای سیاسی و موقعیت چپ در جامعه ایران، و تاثیراتی که جامعه ایران از جنبش ضد کاپیتالیستی در جهان و انقلابات منطقه گرفته است، همگی در جهت مخالف امیال و نقشه های کمپ اپوزیسیون بورژوائی در ایران قرار دارد.

۶- در مقابل جبهه راست بورژوائی، جنبش کمونیسم کارگری قرار دارد که يك جنبش گسترده و بسیار قدرتمند است. کمونیسم کارگری يك گرایش قوی در درون طبقه کارگر است و در سطح جامعه از نفوذ و محبوبیت بالایی برخوردار است. حزب کمونیست کارگری بخش متحزب جنبش کمونیسم کارگری است. این حزب، حزب سیاسی طبقه کارگر ایران است و این فاکتور، نسبت به انقلاب ۵۷ که کارگران از داشتن حزب خود محروم بودند، موقعیت طبقه کارگر را در تحولات سیاسی آتی بسیار متفاوت و تعیین کننده میکنند. جنبش کمونیسم کارگری با حزب سیاسی خود و با اتکا به طیف وسیع کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر، يك مولفه جدی و تعیین کننده در سیاست و مسیر آینده جامعه ایران است.

۷- مبارزات کارگران در طول حیات رژیم اسلامی بطور لاینقطع ادامه داشته است. در مقاطعی که جمهوری اسلامی با هدف مختنق کردن جامعه تهاجم به فعالین و نهادهای جنبشهای اعتراضی و حق

طلب را سازمان داده است، این اعتراضات بی وقفه کارگری است که پیوستگی فضای اعتراضی جامعه علیه جمهوری اسلامی را حفظ کرده است. در ادامه این تحرك اعتراضی بی وقفه کارگران، در دوره بعد از انقلاب ۸۸ دور جدیدی از اوجگیری مبارزات و اعتراضات کارگری در مقابله با فقر و گرانی و شرایط مشقت بار اقتصادی آغاز شده است. جنبش کارگری با مبارزات خود در صف مقدم مبارزات مردم برای دفاع از معیشت قرار دارد و بیش از هر زمان دیگری از پتانسیل و آمادگی برای قدم گذاشتن بمیدان مبارزه سیاسی تحت رهبری حزب خود و قرار گرفتن در راس مبارزه انقلابی مردم علیه وضعیت فلاکت بار امروز برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی يك جامعه آزاد و مرفه برخوردار است.

۸- علاوه بر جنبش کارگری، جنبش آزادی زن و جنبش ضد مذهبی و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان در ایران جنبشهای بسیار قدرتمند و در واقع يك وزنه سنگین در جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی میباشد. این جنبشهای انقلابی، به شدت مدرن و مخالف دخالت مذهب در حکومت و قانون و زندگی اجتماعی هستند. امروز در جامعه ایران مخالفت با مجازات اعدام، دفاع از حقوق کودک، دفاع از برابری زن و مرد، دفاع از هویت انسانی در مقابل هویتهای کاذب و تفرقه افکنانه قومی و ملی و مذهبی، خواست آزادی بی قید و شرط بیان و خواست حقوق برابر برای همه شهروندان و غیره به فرهنگ و خواست بخش قابل توجهی از مردم ایران تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری با طرح کردن و دفاع از این خواسته ها، در ایجاد این فضا و رشد و دست بالا پیدا کردن چپ جامعه در جنبشهای اعتراضی نقش اساسی

داشته است.

۹- حزب کمونیست کارگری در متن مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی طرح و آلترناتیوهای اپوزیسیون بورژوائی جمهوری اسلامی را افشا میکند و تلاش خواهد کرد این طرحها را با شکست مواجه کند. افشا و خنثی کردن هرگونه طرح و نقشه و "آلترناتیو سازی" برای تغییر رژیم اسلامی از بالای سر مردم به يك رژیم دیگر بورژوائی در ایران، همانند مقابله با هرگونه تلاش برای استحاله رژیم اسلامی و ترمیم و تعدیل آن، جزء لاینفک مبارزه حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

حزب تلاش میکند که در صحنه سیاسی ایران آلترناتیو کارگری یعنی سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین دولتی سرکوب بورژوازی، قدرت گیری مستقیم و بلافصل کارگران و مردم و رهایی جامعه از نظام سرمایه داری را به پرچم بخش پیشرو جنبشهای انقلابی تبدیل کند. جامعه ایران باید بسرعت از وضعیت کنونی گذر کند و بر ویرانه های جمهوری اسلامی جامعه نوینی ساخته شود که مبنای آن آزادی و برابری و رفاه انسانهاست. پاسخ سوسیالیسم است. مردم باید از این وضعیت رها شوند و يك حکومت شورایی که دخالت مستقیم همه شهروندان در تعیین سرنوشت اجتماعی خود را تامین کند، برپا کنند. حزب کمونیست کارگری برای تحقق این امر که خواست اکثریت ۹۹ درصدی جامعه است، کارگران و مردم آزادیخواه را به صفوف خود فرامیخواند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۳ آپریل ۲۰۱۲،

۴ اردیبهشت ۱۳۹۱

## سازمان عفو بین الملل و سوراخ دعایی که گم شده است!



مینا احدی

نامه سرگشاده مینا احدی به "دروری دایک" پژوهشگر مسائل ایران در سازمان عفو بین الملل آقای دایک گرامی! هدف من از نوشتن این نامه به شما، بعنوان یکی از مسئولین سازمان عفو بین الملل و در عین حال مسئول ایران که خوشبختانه از نزدیک با شما آشنایی دارم، پاسخی است به گزارش اخیر سازمان عفو بین الملل در مورد "اجحافات علیه مسلمانان در اروپا" که از سوی سازمان شما منتشر شده است. از دیدار حضوری من و مریم نمازی از موسسه شما و گفتگوی مفصل ما با همدیگر، تقریباً دو سال میگذرد، ما در آن دیدار در مورد فعالیتهای سازمان متبوع شما در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران و انتقادات خودمان در این مورد و بطور ویژه خم شدن عفو بین الملل به طرف اصلاح طلبان حکومتی و به نوعی دوم خردادی بودن عفو بین الملل و در عین حال داشتن حساسیت به سازمانهایی نظیر کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته علیه اعدام و ... و حذف نام شخصیتها و یا فعالیتهای این نهادها در "گزارشات عفو بین الملل" مفصل صحبت کردیم. این بار ترجیح میدهم بطور علنی نکاتی را در مورد برخورد عفو بین الملل به معضل "مسلمانان" در اروپا مطرح کنم. گزارش شما در نقد اجحافات علیه "مسلمانان" در اروپا است و اولین سوال اینست که منظور از مسلمانان چه کسانی هستند؟ در اروپا تقریباً همه دولتهای اروپایی،

از دو دهه قبل، میلیونها نفر مهاجر و پناهنده از کشورهای ایران و عراق و افغانستان و سوریه و ترکیه و سومالی و سودان ... را بدون اینکه از خود آنها پرسیده باشند، در یک کیسه ریخته و یک مهر مسلمان به همه آنها زده و در نهایت هم این میلیونها نفر را دو دستی تقدیم سازمانهای اسلامی کرده اند. مثلاً در آلمان با سازمانهای اسلامی کنفرانس "اسلام" سازمان داده و با نمایندگان سازمانهای اسلامی در مورد مقدرات چند میلیون "مسلمان" مذاکره و گفتگو میکنند. آیا شما در این مورد احتیاجی به ابراز نظر و نقد و اعتراض نمی بینید، آیا این نقض حقوق انسانی افراد نیست که در قرن بیست و یک هیت و تعلق مذهبی این افراد را مهمترین بخش هویت آنها حساب کنند و بدون اینکه از خود این میلیونها پرسیده شود، آیا اصلاً مسلمان هستند و ثانیاً آیا این تعلق مذهبی برایشان مهمترین موضوع هست؟ لابد توجه میکنید که در اینجا بطور ویژه حقوق وابستگان به مذاهب دیگر و مخصوصاً آئینیست ها، کاملاً زیر پا گذاشته میشود. سوال بعدی اینست که چرا در اروپا که حقوق شهروندی بدون توجه به تعلق قومی و نژادی و جنسی و ... به رسمیت شناخته شده، با مردم مهاجر و پناهنده از کشورهایی با حکومتهای اسلامی همین رفتار نمیشود و آنها را کماکان با تعلق مذهبی و بطور دسته جمعی مورد خطاب قرار میدهند؟ چرا در قلب اروپا و بطور مثال در آلمان، سازمانهای اسلامی وابسته به حکومت اسلامی ایران، یا دولت ترکیه و یا وابستگان به دولت عربستان سعودی و سودان و ... را نماینده این "مردم مسلمان" تعریف میکنند. آیا این یک تف سربالا نیست؟ آیا عفو بین الملل دلیلی بر اعتراض به این راسیسم وارونه نمی بیند؟ آیا یک سازمان مدافع بی

حقوقی زنان و مدافع قتل کفار و کتک زدن و تنبیه کودکان، میتواند نماینده من و میلیونها زن و مرد فراری از دست این سازمانها باشد، فاجعه اینست که این سازمانها که در اروپا بعنوان احزاب سیاسی به رسمیت شناخته میشوند، وارد داد و ستد با دولتها میشوند و الان خواهان رسمیت دادن به حجاب و یا پذیرفتن مسئولین آموزش مذهب به کودکان "مسلمان" در مدارس و یا آموزش امام و غیره هستند و دولتهای غربی نیز مردم "مسلمان" را لایق اداره شدن از سوی این سازمانهای ضد زن و افراطی اسلامی میدانند. در حقیقت سازمانهای مذهبی که در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده و در بهترین حالت ۳ درصد از این مردم را نمایندگی میکند، کارت نمایندگی همه مردم را دو دستی از دولتهای غربی دریافت میکنند، آیا این نقض حقوق مردم نیست؟ شما در گزارشتان، اساساً به موضوع حساس حجاب و برقع اشاره کرده اید. استخدام نکردن زنان محجبه و یا زنان با برقع را در موسسات مصداق بارز نقض حقوق بشر این زنان معرفی کرده اید، و در یک گزارش "بنظر من لاقیدانه از استخدام زنان محجبه و یا زنان با برقع در موسسات حرف میزنید. آیا اصلاً با خود این زنان حرف زده اید؟ طبعاً با صرف نظر کردن از بخش کوچکی از زنان فعال در سازمانهای اسلامی و یا طرفداران حجاب که از این دادگاه به آن دادگاه روانه بوده و از حق "محجبه بودن" خود دفاع میکنند، یک بخش بزرگ این زنان به زور پدر و همسر و برادر و مادر و به زور دخالت مسجد و ملا و جامعه و اطرافیان، مجبور به رعایت حجاب بوده و به همین دلیل کتک میخورند و تهدید به قتل میشوند، آیا فکر نمیکنید دفاع سازمانهایی نظیر شما از حجاب در محیط کار، کمکی به زنان مخالف حجاب نیست

و برعکس به زیر پا گذاشتن حقوق این زنان کمک میکند. آیا به نتیجه این سیاست خود فکر میکنید که با هر درجه رسمیت یافتن حجاب، فشار بر زنان در خانواده ها بیشتر میشود و خشونت بر علیه زنان آژاده و خواهان زندگی مستقل شدت و حدت بیشتری میگیرد. یک موضوع مهم الان مورد بحث نهادها و سازمانهای متعدد مدافع حقوق زنان و سکولاریستها در مورد حجاب این است: آیا حجاب اسلامی نوعی پوشش است؟ آیا حجاب بعنوان یک سمبل تعلق مذهبی باید در محیط کار و فعالیت اجتماعی، آزاد باشد؟ پس سکولار بودن محیط کار و فعالیت اجتماعی تکلیفش چیست؟ آیا بهتر نیست حجاب بزرگسالان و کودکان را از هم تفکیک کنیم و در مورد این موضوعات مجزا حرف بزنیم. آیا حجاب بزرگسالان به عنوان یک سمبل مذهبی نباید امر خصوصی باشد و در محیط کار، ممنوع شود. اینها مباحثاتی است که در جریان است و یکباره عفو بین الملل با اتیکت حقوق بشر وارد معرکه شده و اعلام میکند که همه تسلیم حجاب و تسلیم فشار سازمانهای اسلامی و تسلیم فشار مردسالاران و شونیستها میشود و زیر لوای دفاع از حقوق "زنان مسلمان" آنها را زیر دست و پای سازمانهای اسلامی افراطی و مردسالاری قرار داده و در خیال خودمان از حقوق آنها دفاع میکنیم. این یک اسکاندال کامل سیاسی است. بنظر سازمان شما حجاب یک مدل لباس و نوعی پوشش است، سوال اینست آیا زنان میتوانند در روزهایی و ساعتی از روز بی حجاب باشند، یعنی پوشش خود را عوض کنند، یا اینکه یک زن "مسلمان" باید تا ابد خود را بپوشاند. آیا این نقض حقوق انسانی نیست، و اینکه آیا نمی بینید که حجاب امروز و در سه دهه اخیر،

## تب آترناتیو سازی: از اوباما تا خامنه ای!

از صفحه ۱

اوباما و غرب جلوه دهد و ملاط برنامه های کمدی آخرب آمریکا و جوك های مردم ایران را فراهم کند. از این لحاظ کار او حتی از کار برگزار کنندگان کنفرانس های آترناتیو سازی واشینگتن و غیره با مزه تر و دامنه دار تر بوده است. لیست آترناتیو سازان درون حکومت البته به رفسنجانی و احمدی نژاد محدود نیست. همه جناح هایی که اکنون در همین جمهوری اسلامی بر سرکار در حال شکل گیری است (برای مثال حول مصباح یزدی و مهدوی کنی و غیره)، گرچه به نام خامنه ای قسم میخورند اما در واقع نگاه شان به پر کردن کردن خلاء اوضاع بعد از خامنه ای و لذا "آترناتیو سازی" برای آینده است.

در نتیجه تب "آترناتیو سازی" برای جمهوری اسلامی و آینده ایران به "اصلاح طلبان" و "انحلال طلبان" و "سلطنت طلبان" و رقابت های صف اپوزیسیون بورژوازی برای طرف حساب غرب شدن محدود نیست، بلکه زمینه اصلی دعوای و کشاکش های درون پوزیسیون هم هست. در واقع "آترناتیو سازی" تب عمومی بورژوازی ایران و بورژوازی جهانی است. چرا که جمهوری اسلامی به دلایل داخلی و جهانی و بخصوص بعد از تحولات سال ۲۰۱۱ و انقلابات منطقه باید هرچه زودتر جایش را به يك الگوی حکومتی قابل دوام تر و منطبق بر سیاست های غرب بدهد. این نکته ای است که "آترناتیو سازی" را به مرکز قدرت در ایران یعنی بیت خامنه ای نیز کشانده است. اگر اوضاع طوری است که اکنون از احمدی نژاد تا رضا پهلوی و از رفسنجانی تا پاسدار- ولترهای

ای حق مسلم ماست" کوتاه بیاید و به جمهوری اسلامی امکان دهد که آبرومندانه عقب بنشینند و در عوض قدری سر کیسه بازار جهانی و خدمات بانکی و امکان فروش نفت را باز کند، دستکم برای خود وقتی خرید و از این ستون تا آن ستون فرج است!

اینکه این نقشه چقدر واقعی است و چقدر خامنه ای قادر است خود سکاندار استحاله و تغییر تدریجی جمهوری اسلامی بسمت انطباق بیشتر با سیاست های غرب باشد موضوع این نوشته نیست. همینقدر بگویم که اگر يك توهم و خیال محض نباشد دستکم در نزد همه ناظران و بازیگران جای سوال جدی دارد. اینکه غرب و بورژوازی مجبور است به توهمات و خیالاتش پناه ببرد و فاقد نقشه و آترناتیو روشن است در واقع حکایت عمومی و جهانی بورژوازی است. البته هم غرب میدانند و هم خامنه ای میدانند و همه کل جریانات بورژوازی از پوزیسیون تا اپوزیسیون میدانند این يك بازی ظریف و خطرناک است و دقیقاً بهمین دلیل است که از احمدی نژاد تا رفسنجانی، از انواع اصلاح طلبان تا سلطنت طلبان همچنان موضوعیت دارند و هریک امید دارند که نقشی در جریان این تلاش عمومی بورژوازی ایفاء کنند. در هر حال موضوع نوشته حاضر بذل توجه به عمومیت تلاش بورژوازی ایران و جهان برای "آترناتیو سازی" هم جنس بودن این تلاشهاست. این زاویه نگاه سولاتی را جلیوسمان میگذارد: این تب عمومی آترناتیو سازی کلیه جریانات بورژوازی عارضه چیست؟ مشابهت و در عین حال تفاوت های آترناتیو سازان مختلف چیست؟ بعنوان جوابی خلاصه به این سولات باید گفت:

۱) این تب آترناتیو سازی بورژواها در واقع تب وحشت از

دخالت مردم ایران در اوضاع سیاسی و برپایی حکومت مستقیم خود بر ویرانه های جمهوری اسلامی است. این تب آترناتیو سازی بورژواها آدم را یاد "مانور امنیت" جمهوری اسلامی قبل از انقلاب ۸۸ می اندازد. جمهوری اسلامی میدانست که مردم آماده اعتراض اند و در نتیجه از مدتها قبل با رژه نیروهایش در خیابانهای تهران سعی میکرد که مردم را بترساند و از وقوع انقلاب پیشگیری کند و دست آخر هم نتوانست. مانور امنیت اینبار البته خیلی با آنموقع فرق دارد. آنوقت تقریباً فقط ما بودیم که میگفتیم "مانور امنیت" رژیم در واقع مانور علیه انقلاب است و تاکید داشتیم انقلاب در ایران تبعات جهانی وسیعی دارد. آنوقت خیلی ها فکر میکردند دوره انقلاب گذشته و موضوع در چهارچوبه چك و چانه زدن بالایی ها و فوق فوقش از طریق "انقلاب مخملی" حل و فصل میشود. اما دیدیم که اینطور نشد و انقلاب ۸۸ سرآغاز يك موج عظیم انقلابی زیر و رو کننده در جهان بود. لذا اینبار خیلی ها شصت شان خبر دارد شده است. این است که "مانور وحشت" دارد با شرکت فعال غرب و کل بورژوازی جهانی و خود جمهوری اسلامی و کل اپوزیسیون راست صورت میگیرد. این در واقع "آترناتیو سازی" در مقابل انقلابی دیگر در ایران است. اگر انقلاب نیمه کاره ۸۸ به دنبال خود انقلابات تونس و مصر و جنبش های ضد کاپیتالیستی در غرب را آورد، انقلاب بعدی در ایران بخصوص اگر با درس گیری از تجارب غنی ۸۸ و انقلاب مصر و تونس بتواند پیروز شود نه فقط چهره خاورمیانه که کل جهان را بمراتب بیش از این تغییر خواهد داد. اگر مردم ایران بتوانند حکومت مستقیم خود، یعنی حکومت نوع کمون که متکی بر

مجامع عمومی و اعمال اراده مستقیم شهروندان است را برقرار کنند آنوقت همان چیزی را متحقق کرده اند که "جنبش اشغال" در غرب عملاً پرچم آنرا برافراشته است. آنگاه ایران بمراتب بیش از "میدان التحریر" به مرکز توجه همه تلاش شریف و رهایی بخش بشریت امروز تبدیل خواهد شد.

۲) آترناتیو سازان مختلف البته با هم تفاوت دارند اما آنچه که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد مشابهت های آنان است. اگر دقت کنید از رضا پهلوی تا احمدی نژاد، از اوباما تا خامنه ای همه يك آترناتیو و سیاست اقتصادی واحد دارند. همان طرح "یارانه" احمدی نژاد و در واقع طرح ریاضت کشی اقتصادی بانک جهانی که حرف اول و آخر بورژوازی در سطح جهان است. همه از اصل این طرح دفاع میکنند و تنها ملاحظاتی بر نحوه اجرا و پیاده کردنش دارند. اما این آترناتیو اقتصادی مشترک آنها را در سیاست بهم نزدیک میکند. از لحاظ سیاسی آنچه که همه این حضرات را نهایتاً در يك صف قرار میدهد این است که حل و فصل بحران جمهوری اسلامی چگونه صورت گیرد که دست کارگران و توده های وسیع مردم از قدرت کوتاه بماند. چگونه حداکثر دیکتاتور عوض شود و نظام دیکتاتوری حفظ شود. اینجاست که همه آترناتیو های رنگارنگ راست باید بکوشند تحت شعارهای مختلف از "صندوق رای" و "حقوق بشر" تا "خشونت نکنید" و "تمامیت ارضی" و "کوروش کبیر" تا "اسلام نوع اردوغان" و غیره این جنس بنجل یعنی حفظ نظام دیکتاتوری و سرکوب و بی حقوقی را به مردم به جان آمده بفروشند. امیدوارم در نوشته های دیگری بطور مشخص تر این مشابهت ها را مورد بررسی قرار دهیم.\*

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!



## بازتاب هفته انتخابات فرانسه، جدال کاریکاتور ها



شهاب بهرامی

"بدهکاری های دولت درست بمنفع مستقیم فراکسیون بورژوازی بود که بوسیله مجلسین قانون وضع می کرد و حکومت می راند و کسر بودجه، درست اسباب سفته بازی ها و سرچشمه اصلی شروتش بود. هر سال یک بار کسر بودجه و هر چهار یا پنج سال یکبار یک قرضه جدید. و هر قرضه جدید برای اشرافیت مالی فرصت جدیدی بود تا دولت را که تصنعا بر لبه پرتگاه ورشکستگی نگاه داشته میشد، از نو سر کیسه کند. دولت مجبور بود تحت نامناسبترین شرایط با بانکداران طرف گردد. هر قرضه جدید فرصت جدیدی بود تا خلق الله را که سرمایه هایش را در اوراق قرضه دولتی بکار انداخته بود، بوسیله زد و بندهای بورسی بچاپند، زد و بندهایی که فقط حکومت و اکثریت مجلس به رموزش آگاه بودند. اصولاً وضع بی ثبات قروض دولتی و امکان اطلاع بر اسرار دولتی به بانکداران و دستیارانشان در مجلس و دربار فرصت می داد تا نوساناتی ناگهانی و غیر مترقبه در نرخ اوراق قرضه دولتی بوجود آورند، امری که نتیجه اش ضرورتاً ورشکستگی جمع کثیری از سرمایه داران کوچکتر و افزایش سریع ثروت افسانه ای قمار بازان کلان بود"

(مبارزات طبقاتی در فرانسه، اثر مارکس نوشته شده در سال ۱۸۵۰)

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در روز یکشنبه ششم ماه مه (دو روز دیگر) برگزار می شود. در دور نخست این انتخابات، از میان ده تن از کاندیداهای شرکت کننده، "نیکلای سارکوزی" از حزب راستگرای حاکم (ا.و.ا.پ) و رئیس جمهور وقت و "فرانسوا اولاند" رهبر حزب سوسیالیست به دور دوم راه یافتند. در دور اول انتخابات، بعد از فرانسوا اولاند و نیکلای سارکوزی، خانم "مارین لوپن" رهبر حزب راست افراطی فرانسه "جبهه ملی" با اختصاص نزدیک به هیجده درصد از آراء سوم شد و آقای "ژاک - لوک ملانشون" رهبر حزب کمونیست و نماینده "جبهه چپ" با بدست آوردن شانزده درصد آراء نفر چهارم گشت.

از فردای دور نخست انتخابات تلاش دو نامزد اصلی این انتخابات برای جلب و جذب "لوپنیست ها" یا طرفداران جبهه ملی آغاز گردید. سارکوزی با شعارهای "اروپا محوری"، هویت ملی، تهدید به خارج شدن از "پیمان شنگن" و بالاخره گیر دادن به گوشت حلال و کنایه های "اسلاموفوبیستی" در این تلاش، هنرهایش را آزمود. آقای اولاند اما موزیانه با اشاراتی مبنی بر کنترل مرزها و جلوگیری از "مهاجرت های غیر قانونی" بیشتر تلاش دارد بخش مهمی از رای های کارگران فرانسوی را که بعنوان اعتراض به سیاست های احزاب اصلی چپ و راست، به لوپن رای داده بودند را باز گرداند.

ژان - لوک ملانشون نامزد جبهه چپ در دور اول انتخابات جمله ای به این مضمون می گوید: "فردای انتخابات، شاید برنده، مشکلات اقتصادی باشد، که بر کسی که رئیس جمهور است حمله می کند". فرانسه بعنوان پنجمین قدرت اقتصادی جهان، سالانه باید صد و هشتاد میلیارد یورو برای بدهی هایش پرداخت کند و این در حالیست که رتبه اقتصادی هم در هفته قبل از دور اول انتخابات یک درجه نزول کرد و دولت آن کشور را با مشکلات جدیدی روبرو گردانید. "جورج سوروس" میلیاردر و فعال سیاسی آمریکایی که بنیادی با همین نام تاسیس کرده، درباره اقتصاد اروپا و حوزه یورو در مصاحبه ای با هفته نامه اکسپرس می گوید: که همچنان به اوضاع اقتصادی اروپا بدبین است. به عقیده وی اروپا یک دور باطل را در پیش گرفته که به سختی می تواند از آن رهائی یابد. از نظر سوروس فرق چندانی بین سارکوزی و اولاند نیست و انتخاب هر یک از اینها راه گشای بحران فرانسه نیست.

آنچه که از آمار و گزارشات مدیای فرانسه بر می آید تاکید بر قطبی شدن بیشتر جامعه به نسبت انتخابات گذشته است. هم چپ ها از نفوذ چشمگیری نسبت به سابقه خود و هم نسبت به احزاب سنتی اصلی فرانسه برخوردار شده اند و هم راست های افراطی توانسته اند در بازی سیاست به حساب آورده شوند. "رافائل آنتوان" یکی از نویسندگان اکسپرس می نویسد: مشخص نیست اگر "فرانسوا اولاند" پیروز شود به خاطر قول های او درباره پائین آوردن آمار بیکاری، افزایش رشد اقتصادی یا حذف بی عدالتی ها باشد، بلکه تاثیر یک عامل در این پیروزی قطعی خواهد بود و آن هم انزجار از "سارکوزی" است که طی این سالها بوجود آمده و نویسنده ادامه می دهد: "سارکوزی" که با اجرای

ادامه صفحه ۷

## صراحت در تمامیت ارضی، سکوت برسر رفاه مردم

یاشار سهندی

رضا پهلوی در آخرین بیانیه خویش "هم میهنان عزیز" را فرا خوانده تا برای "حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران، به پا خیزند و کشور را از این بحران (دعوا بر سر جزایر سه گانه) که ناشی از وجود دوام این رژیم تنش آفرین و غیرمردمی است، نجات بخشند". شاید بتوان گفت "حفظ تمامیت ارضی" تنها خواسته روشنی است که امثال رضا پهلوی می گویند. یعنی اگر شما خودتان را هلاک کنید و زیر و روی تمام سخنرانی و مکتوبات ایشان را برگردید، محض نمونه یک جمله به صراحت پیدا نمی کنید که از رفاه مردم بگویند. مثلاً بگویند این حق مردم است که یک زندگی مرفه برخوردار باشند و یا انسان از لحظه تولد باید زندگی اش تامین باشد. نه، امثال ایشان اینها را رویا میدانند، "رویا های خطرناک"؛ اما حفظ تمامیت ارضی یک واقعیت مسلم و انکارناپذیر است که حتماً باید به پیش خون ریخت. "چو ایران نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد". البته دلیل بسیار قانع کننده و امروزی تر هم دارند. میگویند اساساً اگر ایران نباشد اصلاً همه دعواها، کشمکشهای سیاسی و جدال های مردم برای خواست هایشان هم بی مورد است و همه باید برای حفظ تمامیت ارضی کوشش کنیم! شما اگر از آنها بپرسید که اساساً برای "فردای ایران" چه برنامه ای دارید و به کجا می خواهید برسید. متواضعانه پاسخ خواهید شنید: "من کاره ای نیستم و هیچ وقت هم نخواسته ام خودم را به ملت بزرگ و شریف ایران تحمیل کنم" اگر بیشتر اصرار کنید چیز بیشتری نخواهند گفت بلکه تاکید میکنند "انتخاب با ملت است" و بلافاصله ادامه

خواهند "با مجلس موسسان منتخب ملت است که حکومت آینده ایران را تعیین کنند." اگر پا توی یک کفش کنید بالاخره چی، برنامه شما برای رفاه مردم چیست؟ میشنوید: "ایرانی شایسته بهترین زندگی است، باید دست در دست هم کشور را آباد کنیم و خرابیهایی که نتیجه سیاست های نابردارانه رژیم کنونی است و بر کشور تحمیل شده را بازسازی کنیم بعد درسایه امن یک حکومت قوی و البته منتخب ملت، کشور را به آنچه شایسته آن است، برسانیم." در مورد آزادیها سیاسی هم چیزی بیشتر از آنچه در مورد رفاه مردم گفتند نمی گویند. نهایت حرفی بزنند این است: "این حق مسلم است همه است که حرفشان را بزنند به شرط اینکه توهین نباشد، مانع پیشرفت و ترقی مملکت نگردد و... خیلی دست و دل بازی که به خرج دهند، همه چیز را به بیانیه حقوق بشر سازمان ملل حواله میدهند. خوشبختانه یک سند دیگر از ۲۵۰۰ سال پیش هم هست که آنرا پشتوانه بیانیه حقوق بشر سازمان ملل میکنند تا همگان خیال شان آسوده باشد که آزادیهای سیاسی تضمین شده است. بهرحال انسان باید پشت گوش را ببیند تا شاید (آنها شاید) از دهان ایشان حرفی صریح درباره آزادی بشنود. اما در مورد تمامیت ارضی خیلی روشن و صریح حرف میزنند. یا خوششان به خاطر نام خلیج فارس به جوش آمده و تاکید میکنند ایران بزرگ ایشان آنجایی نیست که "رئیس جمهورش سخنرانی خود را به زبان تازی آغاز میکند..." (بیژن صفت سری). البته اصطلاح "تازی" اصلاً فحش و توهین نیست بلکه ادبی ترین اصطلاح در مورد "اعراب" است!

ادامه صفحه ۷

## انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و ادامه بحران

### گفتگوی انترناسیونال با پاسکال دکامب



معرفی: پاسکال دکامب یکی از فعالین کارگری چپ فرانسه و عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران و همچنین عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری است. ترجمه این مصاحبه توسط رفیق کاظم نیکخواه انجام شده است. انترناسیونال: پاسکال بحثهای اصلی میان رقبای انتخاباتی در انتخابات کنونی فرانسه چیست؟ پاسکال: بحث اصلی اینستکه چگونه مساله بحران اقتصادی و قرضها را حل کنند. البته پشت سر طبقه کارگر. هردو کاندیدا سارکوزی و اولاند (کاندیدای حزب سوسیالیست فرانسه) بوضوح میگویند "ما" (منظورشان مردم اند مخصوصا کارگران و نه طبقه حاکم) باید قروض دولتی را بپردازیم. به باور من اختلاف بین یک چهره مغرور و گستاخ و مفتخر به خدمتگزاری سرمایه داران بنام سارکوزی است، و یک چهره لبخند به لب که میخواهد همان سیاستها را به ما کارگران تحمیل کند. در ماه مه ۲۰۱۲ سارکوزی یک سخنرانی تهاجمی علیه اتحادیه های کارگری کرد و گفت که اتحادیه ها باید "پرچم سرخ را کنار بگذارند و به فرانسه خدمت کنند". همان روز اولاند در تلویزیون گفت او با حمله به اتحادیه مخالف است

و گفت ما به اتحادیه کارگران مثل اتحادیه کارفرمایان نیاز داریم که بتوانیم با هم بحث کنیم. یعنی سارکوزی چهره آشکارا تهاجمی تر علیه کارگران به خود میگیرد. همانطور که میدانید همیشه دو راه برای تحمیل سیاستهای ریاضتی یا سیاستهای ضد کارگری به کارگران وجود دارد: یکی اعلام جنگ صریح علیه کارگران است و راه دیگر اینکه راه سازش و مسالمت با بوروکراسی اتحادیه ها پیدا کنی و از آن طریق همان سیاستها را دنبال کنی. و البته همیشه تعدادی بوروکرات در اتحادیه ها پیدا میشوند که به شما بگویند "ما راه دیگری جز قبول ریاضت اقتصادی نداریم" یا "ما باید قبول کنیم که مثلاً از دستمزدها بزنند تا اشتغال را نگه داریم" و حاضرند با حکومت و کارفرمایان علیه کارگران و بخش اعظم مردم وارد معامله شوند. اگر به سطح اروپا نگاه کنیم میتوانیم ببینیم که سیاستها در کشورهای مختلف علیه کارگران و همچنین علیه مهاجرین و حقوق اجتماعی، یکی است. اگر دولت سوسیال دموکرات باشد مثل اولاند یا دست راستی مثل ساکوزی هردو اساساً یک چیز را دنبال میکنند.

انترناسیونال: اما آیا مردم فکر میکنند که این انتخابات تاثیری بر موقعیت اقتصادی و سیاسی شان خواهد داشت؟ پاسکال: فکر نمیکنم. مخصوصاً کارگران. دیروز در حین راهپیمایی اول مه و همچنین در محیط کارم من با کارگران زیادی صحبت کردم. بیشتر آنها به اولاند رای میدهند چون از سارکوزی متنفرند. میخواهند که او برود. اما در عین حال هیچکدام از آنها اگر اولاند در انتخابات برنده شود

امیدی به بهبودی در زندگیشان ندارند. همه میدانند یا اینطور احساس میکنند که بعد از انتخابات حکومت جدید حملات گسترده ای را علیه حقوق اجتماعی شروع میکند. در خیلی از محیط های کار میدانیم که کارفرمایان منتظرند انتخابات تمام شود تا بیکارسازیهای گسترده را شروع کنند. بسیاری از فعالین کارگری میدانند که بعد از انتخابات باید در خیابانها از طریق اعتصابات و اقدامات و آکسیونهای رادیکال بجنگیم تا بتوانیم از حقوق مان دفاع کنیم. به باور من این مهمترین مساله است. بعضی کارگران به اولاند رای خواهند داد، اما برخی اصلاً رای نخواهند داد، اما مهمترین مساله آن کارهایی است که ما بعد از انتخابات خواهیم کرد. خوشحالم که بسیاری از کارگران و مردم در راهپیمایی های اول مه شرکت کردند و تظاهراتی اول مه امسال از سال گذشته بسیار وسیعتر بود. امیدوارم این به هرکسی نشان دهد که طبقه ما در مقابل حملات حکومت جدید ساکت نخواهد نشست. انترناسیونال: رقبای اصلی در این انتخابات چه چشم اندازی را مقابل مردم فرانسه میگذارند؟ پاسکال: در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی آنها آلترناتیو دیگری جز اینکه کارگران و اکثریت مردم را مجبور کنند که بار بحران سرمایه داری را بدوش بکشند ندارند. بنظر من راهی برای حل بحران سرمایه داری وجود ندارد. این سیستم بسپیده است. سرمایه داری یعنی اخراجهای گسترده و بیکاری میلیونی. و تازه در محیطهای کار یعنی آنجا هم که کار میکنیم ما جان میکنیم برای دستمزدهایی که بزور ما را زنده نگه میدارد. برای مثال در پژو و سیتروئن کارفرما ۶۰۰ نفر از

تونس را بخاطر نداشتن مدارک در پونتاریه دستگیر کردند نزدیک مرز سویس. و به این دلیل که برای پلیس راحت نبود که اسامی عربی را تلفظ کند روی بازوی آنها شماره هایی را نوشته بودند و با آن شماره ها آنها را صدا میکردند. گوان وزیر مهاجرت و هویت فرانسوی در سخنرانش گفت "شمار مهاجرین قانونی در این کشور بیش از حد است" یا اینکه کودکانی با ریشه "خارجی" را مقصر اصلی همه مسایل آموزشی معرفی کرد. (البته او به زدن از بودجه آموزش و پرورش که باعث میشود هر سال معلمین کمتری بکار گرفته شوند اشاره نمیکند) یا یک نمونه دیگر اینکه در ابتدای این انتخابات سارکوزی مثل لوپن گفت که "بزرگترین مساله در فرانسه گوشت حلال است". کارگران به من میگفتند برای ما مساله این نیست که گوشت یا غذا حلال است یا غیر حلال یا هر چیز دیگری بلکه مساله گران تر شدن هرروزه غذاهاست.

اما حتی برای اولاند یا دیگرانی مثل ملانکون از "جبهه چپ" یک ناسیونالیسم قوی ای در سخنانشان وجود دارد. ملانکون نوعی ناسیونالیسم چپ را نمایندگی میکند. آنچه آنها "سرمایه آمریکایی" یا چند ملیتی مینامد را تقبیح میکند. اما با سرمایه بطور کلی و مخصوصاً با سرمایه داران فرانسوی مشکلی ندارد. برای مثال او میگفت این خیلی خبر خوبی بود که هندوستان هواپیماهای جنگی از صنایع نظامی فرانسوی "داسال" خریداری کرد. او گفت بین اسلحه فرانسوی و اسلحه آمریکایی تفاوت وجود دارد زیرا فرانسه هیچگاه به هیچ کشوری حمله نکرده است! و این مسخره است. اولادیکتاتورهایی نظیر قذافی و امیر بحرین و بن علی مردم کشورهایشان را با سلاحهای فرانسوی سرکوب

## انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه و ادامه بحران

از صفحه ۶

زدد و برای نمونه در پاریس پلاکاردهای بزرگی را حمل می‌کردند که روی آن نوشته شده بود "در فرانسه یهودیان، عربها، و سیاه پوستان کشته میشوند". حتی موقعی که معلوم شد که حمله توسط یک فرد متعلق به جریان سلفی صورت گرفته و نه یک نیو نازی، مردم در شهر تولوز که ترورها صورت گرفته بود به خیابان رفتند و یک پلاکاردها به زبان فرانسوی، عبری، و اوکیتان (یک زبان محلی) را حمل می‌کردند که روی آن نوشته شده بود "همه با هم". جالب است که بعد از قتل‌ها سارکوزی وقتی از یکی از سربازان فرانسوی که ترور شده بود صحبت می‌کرد او را "مردی که به مسلمانان شباهت داشت" خطاب کرد! و این همه را شوکه کرده بود. این سرباز یک مسیحی با اصالت عربی بود. این نشانه‌ای از یک نوع راسیسم است که اکنون در فرانسه و در سطح اروپا هم جریان پیدا کرده که "عرب" و "مسلمان" و "تروریسم اسلامی" را مترادف بکار می‌برد. بهر حال آنچه مسلم است اینست که بر متن بحران اقتصادی و مالی کنونی بسیاری از مرتجعین "راه حلهای" راسیستی و ناسیونالیستی را مقابل مردم می‌گذارند. همانطور که گفتم راسیسم در فرانسه در حال رشد است و این راسیسم علیه مردم از هر رنگ و نژادی است. علیه کولی‌ها، عربها، و همچنین یهودیان و مهاجرین از کشورهای یوگسلاوی و یا شوروی سابق و امثال اینها. برای مثال اگر حزب "ناسیونال فرانت" (جبهه ملی) یک جریان شناخته شده و نسبتاً قوی است، اما علاوه بر آن گروههای راسیستی و نیو فاشیستی و دست راستی مثل حزب "ضد صهیونیستی" که در واقع ضد یهودی است وجود دارند که از اتحاد بین نیونازی‌ها و اعضای سابق جبهه ملی و یک گروه

میکردند. و ثانیاً عجیب است که کسی بتواند ادعا کند که فرانسه به هیچ کشوری حمله نکرده است. نیروهای فرانسه هم اکنون در جنگ در افغانستان حضور دارند و بعلاوه در بسیاری از کشورهای آفریقایی فرانسه دیکتاتورهایش را بخاطر منافع کمپانیهای بزرگ مثل توتال به مردم تحمیل کرده است. و آخرین قتل عام تاریخی در قرن بیست با یک میلیون کشته در رواندا با حمایت فرانسه و با سلاحهای فرانسوی و بدست نیروهایی که توسط ارتش فرانسه آموزش دیده بودند صورت گرفت. در مورد اولاند من دیروز کلیپ انتخاباتی اش را نگاه می‌کردم. اول فکر کردم این همان سارکوزی است. او در این کلیپ می‌گوید "فرانسوی برای هر شهروندی زیباترین است" و اینکه او "مفتخر است که فرانسوی است". او دیروز قول میداد که به مهاجرین غیر قانونی اسناد هویتی فرانسوی نخواهد داد. مساله مهاجرین اکنون یک مساله داغ در فرانسه است، مثل مسایل کارگری. و رقیب انتخاباتی هم آنرا دست گرفته اند. تنها تفاوت اولاند با سارکوزی اینست که چهره خندان تری برای سیاستهای واحدی را شاهد هستیم. بر متن بحران اقتصادی کنونی رشد راسیسم و ناسیونالیسم یک خطر واقعی است که ما در فرانسه و اروپای امروز با آن مواجه هستیم. انترناسیونال: آیا ترورهای اخیر در فرانسه توسط جریان‌های اسلامی تاثیری بر انتخابات داشته است؟ پاسکال: فکر نمی‌کنم. بعد از حمله تروریستی علیه کودکان یهودی و قبل از آن ترور دو سرباز فرانسوی که یکی اصالت عربی داشت و یکی سیاه پوست بود، مردم به خیابان رفتند و دست به تظاهرات

اسلامی درست شده است و جمهوری اسلامی از آن حمایت میکند. یا "ایدنیتیرس" که گروهی است که در شهرهایی مثل لیون و تولوز دست به تهدیدات و حملاتی علیه مهاجرین و صاحبان کبابی‌ها و چپ‌گرایان زده است. این گروهها هنوز نسبتاً کوچک هستند اما توسط رسانه‌های رسمی حمایت میشوند و آنها را مطرح میکنند. یک مساله مهم متأسفانه اینست که یک بخش از راست یعنی حزب سارکوزی به جبهه ملی یا همان نشانال فرانت نزدیک تر شده است و این خطر وجود دارد که ما در فرانسه همان سناریوی ایتالیا، یا یونان یا ترکیه را داشته باشیم. یعنی یک ایتلاف بین راستها و راستهای افراطی با سیاستهای حتی تهاجمی تر و راسیستی تر علیه مهاجرین و سایر "خارجی" ها. این اتفاق تازه ای نیست که وقتی سرمایه داری به بحران عمیق دچار میشود، "راه حلهای" راسیستی و ناسیونالیستی و شوینیسم مرد سالارانه را تشدید میکند. نیروهای ارتجاعی مانند اسلام سیاسی در شمال آفریقا یا راسیسم در اروپا را مقایسه کنید. هر دو یک سیاست تفرقه انداختن بین مردم با هویتهای کاذب قومی و ملی و مذهبی و از این طریق مردم و بویژه کارگران را مورد تعرض قرار دادند. در خاتمه فکر میکنم یک وظیفه مبرم اینست که به مردم یک آلترناتیو واقعی بدهیم. یک آلترناتیو که مساله اش این نباشد که کدام رییس جمهور دولت سرمایه داری را اداره کند. بلکه مساله ای که جواب میدهد این باشد که کدام طبقه باید قدرت داشته باشد. بورژوازی یا پرولتاریا. اینجاست که من عکس آنچه را سارکوزی گفت مورد تأکید قرار میدهم: ما باید بیش از هر زمان پرچم سرخ انترناسیونال کارگری را بر افرازم. پرچم انسانیت علیه بربریت، پرچم سوسیالیسم و انقلاب.\*

## صراحت در تمامیت ارضی، سکوت بر سر رفاه مردم

از صفحه ۵

کسی باقی نمی‌گذارند. اما در مورد رفاه و آزادی مردم سکوت میکنند و بخصوص موضوع را "میپسچانند"، چون قرار نیست که توده مردم در رفاه باشند، در اینصورت چه کسی باید کار کند! و برای اینکه مردم کار کنند و هیچی هم نگویند و چیزی نخواهند باید تا ابد نام خلیج، فارس بماند و جزایر سه گانه هم از عهد سنگی به نام ایران سند شده است و تا گردش زمین به دور خورشید بر پا است، به نام ایران است. رک‌گویی در مورد تمامیت ارضی هم به قول معروف "استفاده ابزاری" است برای نگه داشتن و تضمین بیشتر استثمار توده مردم.

بهر حال تمامیت ارضی اصلاً شوخی بردار نیست. یعنی اول و آخر تکلیف این تمامیت ارضی باید روشن باشد و فرصتی برای رویاهایی همچون رفاه و آزادیهای سیاسی نمی‌ماند. در منازعات بر سر آب و خاک حتی نام مناطق جغرافیایی خاص، بهترین زمانی است که میتوان شاهد نمایش چهره کریه ناسیونالیسم بود. سخنگویان آن چه در قدرت باشند چه در اپوزیسیون حکومت، ذره ای گذشت در این مورد ندارند. چنان به صراحت در این موارد حرف می‌زنند که جای هیچ شک و شبهه ای برای

## انتخابات فرانسه، جدال کاریکاتورها

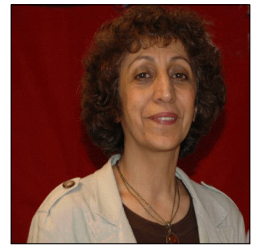
از صفحه ۵

حکومت دیگر دست بانکاران است» لافیت راز انقلاب را فاش کرده بود. فرانسه زادگاه بالزاک و استاندال، زادگاه دیدرو و روسو زاینده انقلاب کبیر، شاهد انقلابات دهه سی، انقلابات فوریه و ژوئییه، کمون پاریس و مه شست و هشت، این همه شکست، این همه تجربه. اگر شکست های گذشته، نتیجه مناسبات اجتماعی موجود بود، اگر تضادهای طبقاتی تا به این درجه امروز حاد نشده بود و اگر این شکستها نتیجه شکست اشخاص و نظرات و تصورات و طرحهای احزاب انقلابی بود، رشد مناسبات اجتماعی و طبقاتی امروز و عروج جنبش نود و نه درصد نه تنها ضرورت، بلکه امکان اجتماعی حزب انقلابی نوع کمونی را در دستور طبقه کارگر فرانسه گذاشته است. با عروج حزب انقلابی، سارکوزی‌ها و اولاندها، تنها کاریکاتوری در حواشی تاریخ خواهند بود.

طرح‌هایی مثل افزایش بازنشستگی بوجود آمد به نقد سیاستهای سارکوزی نمی‌پردازد و تنها خاصیت این نفرت این است که هر کسی که به سارکوزی حمله کند مورد استقبال قرار می‌گیرد. چنین بنظر می‌رسد که جامعه آگاه فرانسه هم به مرض انتخاب بد و بدتر آلوده است، شاید هم واقف است که سیاستمدارانش نه تنها راهی برای خروج از این "مثلت بحران" ندارند بلکه خودشان بانی و طراح این بحران سه گانه مالی تجاری و بانکی فرانسه از سالهای گذشته تا به هم امروز بوده اند و چه کسی زیبا تراز قلم مارکس توانسته است این کالبد گنبدیده بورژوازی فرانسه را بشکافد "پس از انقلاب ژوئییه" هنگامی که بانکار لیبیرال لافیت همپالگی اش دوک اورلئان را به طرف شهرداری همراهی می‌کرد چنین گفت: «از اکنون

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## اول مه ۲۰۱۲ در ایران



شلا دانشفر

از صفحه ۱

گذاشت. در این روز صدها نفر از مردم آزادیخواه و جسور این شهر در برابر چشمان ناباور سروکوبگران اسلامی، به خیابان آمدند و فریاد آزادیخواهی سر دادند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

همه میدانند که جمهوری اسلامی از مدتی قبل شهر سنندج را به حالت حکومت نظامی در آورده و با بسیج نیروهای سروکوبگر و پلیس و جاسوسانش و با تهدید و احضار فعالین کارگری همه تلاشش را بکار برده بود تا مانع حرکت کارگران در روز جهانی کارگر شود. در این روز نیروهای حکومت مسیر خیابان فردوسی را نیز که از سوی کمیته برگزار کننده اول مه فراخوان به تجمع در آن محل داده شده بود، بسته بودند. اما زنان و مردان آزادیخواه در این شهر با عزمی جزم به خیابان آمدند و با اجتماعشان در خیابان سیروس، خیابان دیگری از شهر، تمام تمهیدات رژیم را خنثی کرده و توانستند روز جهانی کارگر را جشن بگیرند و فریاد آزادیخواهی سر دهند. در این مراسم رژیم به صف تظاهر کنندگان حمله برد و بالاخره مردم با هو کردن نیروهای سروکوبگر و در برابر تهاجم سروکوبگران ارتجاع اسلامی پراکنده شدند. عکس های اول مه در سنندج و فیلم هایش به روشنی اتفاق شغف آوری که در روز جهانی کارگر در این شهر روی داد را نشان میدهد. بدین ترتیب سنندج همچون جواهری در اول مه امسال در ایران درخشید. اخبار و

تصاویرش به سطح رسانه ها و مدیای اجتماعی کشیده شد. حتی رسانه های معلوم الحالی چون بی بی سی از سنندج با همه تلاششان برای قلب تاریخ و نقش ما کمونیستها در ساختن چنین تاریخی، ناگزیر از سنندج بعنوان مرکز شهر کارگری و چپ سخن گفتند. بدین ترتیب پرچم اول مه امسال در ایران در سنندج برافراشته شد. زنده باد مردم شهر سنندج. زنده باد کمیته برگزاری اول مه سنندج.

اتفاقی که در اول مه در سنندج روی داد جوابی عملی به سروکوبگرهای جمهوری اسلامی و رجزخوانی هایش بود و نشان داد که با کشاندن نیروی اعتراضان به خیابان و ایستادن در برابر قشون کشی های حکومت است که میشود، نیروی سروکوبش را خنثی کرد.

روشن است که فضای دستگیری و سرکوب و فرق کردن خیابان توسط نیروهای حکومت، اول مه در سنندج را هم محدود کرده بود و به این ترتیب جمهوری اسلامی توانست این اول مه را بدون يك حرکت میلیونی کارگری از سر بگذراند. از جمله خبرها در سنندج گویای این است که اگر مردم فقط يك ساعت فرصت مراسم و سخنرانی داشتند جمعیت انبوهی به آنها می پیوستند. اما نفس همینکه کارگران برای برپاداشتن روز طبقاتی خود و برافراشتن پرچم طبقاتی شان حاضرند بچنگند، در عین حال این را به هرکسی نشان داد که حکومت اسلامی سرمایه داران با نیرویی مواجه است که هر آن ممکن است برای پایان دادن به این حکومت پا به میدان بگذارد.

در هر حال تمام نکته اینجاست که علیرغم آنچه که در سنندج گذشت وقتی به اول مه امسال نگاه میکنیم. اولین مشاهده اینست که جنب و جوش قبل از اول مه بسیار

وسیعتر و گسترده تر از خود اول مه بود. بطور واقعی در اول مه امسال حرکتهای زیادی در ایران بر پا نشد. موضوع چیست؟ به عبارت روشنتر آیا نمیشد در تهران و در دیگر شهرهای ایران که مراکز کارگری در سطحی گسترده در اعتراض و مبارزه اند و جامعه یکپارچه انفجار است، شاهد اتفاقی نظیر آنچه در سنندج روی داد باشیم؟ این موضوعی است که پایین تر در موردش اشاراتی خواهم داشت. ولی قبل از آن به جنبه های دیگر اول مه امسال و تحرکات دیگری هم که به مناسبت گرامیداشت این روز شاهدش بودیم لازمست اشاره ای داشته باشم.

يك نکته قابل توجه دیگر اینست که اول مه امسال پیام آور شکل گیری جنبش ۹۹ درصدی ها و اشغال والستریت ایران بود. این را در قطعنامه های اول مه و بیانیه های مختلفی که از سوی تشکلهای جمع های مختلف کارگری صادر شد میتوان دید. این را همچنین در شعارهای مراسم اول مه در شهر سنندج با فریاد به ۹۹ درصدی ها بیپندیدیم میتوان دید. این نیز خود دست آورد دیگر اول مه امسال است که استراتژی روشنتری در مقابل جنبش کارگری و کل جامعه قرار میدهد.

بعلاوه در اول مه امسال کارگران در مراکز چون تعدادی از خیابان های مشهد، تعدادی از کارخانجات شهرک صنعتی البرز، شهرک صنعتی کاوه، شهرک صنعتی ارگ جدید بم و شهرک صنعتی منطقه ای چابهار به مناسبت روز جهانی کارگر مدت ده دقیقه دست از کار کشیدند و در مورد این روز و مشکلات خود سخن گفتند و با پخش قطعنامه هایشان خواستههایشان را اعلام کردند و بدین شکل این روز را گرامی داشتند.

حرکت دیگری که در اول مه امسال شاهد آن بودیم، اعلام کارزاری در دفاع از زندگی و معیشت از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران است. این کارزار با انتشار طوماری بر سر

دستمزدهای زیر خط فقر، بیکارسازی ها و طرح تهاجم جدید حکومت به زندگی و معیشت کارگران، با ۵۰۰۰ امضا، این روز جهانی را گرامی داشت. طوماری که کارگران را در سطحی سراسری به پیوستن به آن فراخوانده است. بدین ترتیب اول مه در تهران سرآغاز کارزاری شد که خواستههای فوری کارگران را در دستور دارد و با پیوستن وسیع به آن میتواند زمینه ساز حرکتی سراسری حول این خواستههای فوری کارگران باشد و تحرکی گسترده در میان کارگران و کل جامعه ایجاد کند.

همچنین اخبار و گزارشات از بند ۳۵۰ اوین تهران و بند ۱۵ متادون در زندان تبریز نیز حاکی از برگزاری اول مه از سوی زندانیان در بند است.

طبعاً در اول مه امسال همانند هر سال کارگران بصورت جمع هایی مختلف در جاهای مختلف و یا با رفتن به گلگشت روز جهانی را گرامی داشتند و به این مناسبت سخنرانی کردند و قطعنامه صادر کردند. از جمله جمعی از کارگران عسلویه، کنگان، پتروشیمی های ماهشهر، پالایشگاه لاون و بندرعباس در یکی از کمپ های کارگری این منطقه گرد آمدند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. نظیر چنین برنامه ای در مراکز چون دماوند تهران، فولاد مبارکه اصفهان، ذوب آهن اصفهان، کاشی و سرامیک یزد، کارگران لاستیک دنا و مخابرات راه دور شیراز، کامیاران، بانه، سقز، اشنویه، پاوه، بانه و دیگر شهرها از سوی جمع ها و محافلی از کارگران برگزار شد.

قدر مسلم اینکه رژیم اسلامی با سروکوبگری هایش مقابل برگزاری يك اول مه سراسری را گرفت. اما آنچه در اول مه امسال اتفاق افتاد نشانگر يك جنبش کارگری پر تپش و پر جنب و جوش است که دارد خیز بر می دارد و به خود سازمان میدهد. يك جنبش اعتراضی که هرروز گسترده تر، چپ تر و رادیکال تر میشود و وزنه مهمی در تحولات

سیاسی امروز ایران است.

## قطعنامه های اول مه

اعلام همبستگی با فراخوان جهانی جنبش اشغال يك و چه بارز بیانیه ها و قطعنامه های اول مه امسال بود. در اول مه امسال قطعنامه های بسیاری از سوی تشکلهای مختلف کارگری و جمع های وسیعی از کارگران و نیز بخش های مختلفی از مردم دانشجویان، کانون نویسندگان و غیره منتشر شد. قطعنامه هایی که بطور واقعی کیفرخواست کارگران علیه سرمایه داری و صدای اعتراض کارگران و کل مردم علیه فقر و گرانی بود. قطعنامه هایی که اعتراض خود را علیه زندگی زیر خط فقر و تبعیض و نابرابری در جامعه اعلام میداشت. قطعنامه هایی که علیه اعدام و سروکوبگرهای حکومت بود و از حقوق کودکان، بازنشستگان، برابری حقوق زن و مرد، آزادی تشکل و اعتصاب و حقوق دیگر بخش های مختلف جامعه سخن میگفت. قطعنامه هایی که در برابر سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی دفاع خود را از کارگران افغان اعلام میداشت و بر حقوق پایه ای همه شهروندان جامعه تاکید داشت. قطعنامه هایی رادیکال و چپ که حمایت خود از جنبش جهانی علیه سرمایه داری را اعلام داشته و خواستههای کل جامعه را نمایندگی میکرد.

قطعنامه کمیته برگزاری اول مه سنندج ضمن اشاره به اعتراضات گسترده نوید بخش در آمریکا و کشورهای اروپایی با نامهای اشغال والستریت و جنبش اشغال و جنبش ۹۹ درصد به وضعیت کارگران در ایران اشاره کرده و اعلام میدارند: "ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند." و در آن بر خواستههای فوری کارگران تاکید میگذازند.



## اول مه ۲۰۱۲ در ایران

از صفحه ۹

سندیکای شرکت واحد در قطعنامه خود مینویسد: "ما جامعه‌ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه‌های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما ناچیز دستمزدها و افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین و تعیین دستمزدها توسط نماینده‌های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم."

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز در قطعنامه اش اشاره میکند که: "از نظر ما تداوم وضعیت موجود، سوق دادن زندگی و معیشت میلیونها کارگر و خانواده‌هایشان از خط فقر به خط مرگ است. ما اعلام میداریم به وضعیت موجود باید خاتمه داده شود. ما کارگران دیگر تحمل اینهمه بی حقوقی و تهاجم هر روزه به زندگی و معیشت خود را نداریم و متحد و یکپارچه در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد." و در آخر ضمن اعلام حمایت از جنبش اشغال والستریت و اعتراضات کارگری در کشورهای مختلف جهان بر همبستگی جهانی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید میگذارد. در اطلاعیه مشترکی که از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه منتشر شده است ضمن تاکید بر جنبش جهانی علیه سرمایه داری تحت عنوان جنبش ۹۹ درصدی‌ها بعنوان اقدامات پرشور و نوید بخش طبقه کارگر و اینکه چگونه سرمایه داری در سطح جهان برای حفظ بقای سیاسی خود

دست و پا میزند، اقدام به تحریم و تلاش برای جنگ افروزی میکند و اینکه کارگران ایران و جهان قربانیان این شرایط هستند، چنین اعلام میکنند. "ما کارگران در مقابل این وضعیت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند آمده است." این قطعنامه از سوی جمع‌های کارگری بسیاری مورد تایید قرار گرفت.

پیام مشترک همه این بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها اینست که کارگران در برابر این توحش و بربریت سرمایه داری کوتاه نمی‌آیند و بر خواسته‌های فوری و انسانی خود تاکید می‌گذارند.

## پاسخ به يك سوال

اکنون با تصویر مختصری که از اول مه امسال دادم، به سراغ سوالی میروم که جلوتر طرح کردم. به این معنی که با توجه به شرایطی که در آن قرار داریم، يك سوال مقابل ما اینست که آیا با این نیروی عظیمی که به مناسبت اول مه به جنب و جوی در آمده بود، آیا نمیشد اول مه کاملاً متفاوتی را پشت سر گذاشت؟ آیا نمیشد شاهد اتفاقی نظیر آنچه در سنج روی داد در تهران و دیگر شهرهای ایران بود؟ آیا اول مه نمیتوانست نمایشی از صف متحد ما کارگران و رهبران کارگری باشد که اخبارش به صدر اخبار جهانی تبدیل میشود؟

پاسخ من به این سوال مثبت است. اما پیش شرط تحقق چنین اتفاقی دو نکته مهمی است که در زیر به آن اشاره میکنم.

اولین نکته ندیدن موقعیت سیاسی ای است که در اول مه امسال در آن قرار داشتیم. واقعیت اینست که فراخوان جهانی جنبش اشغال فرصت سیاسی و حتی چتری امنیتی به ما میداد که میشد از يك ماه قبل به استقبال این روز برویم و با اعلام

پیوستن به آن فضای این روز را بسازیم. میشد از این فرصت استفاده کرد و جامعه را به اهمیت سیاسی جایگاه طبقه کارگر و خود اول مه متوجه ساخت. میشد با استفاده از این فرصت اعتراض کارگران و کل مردم را متوجه ماهیت طبقاتی جمهوری اسلامی و يك درصدی‌های حاکم میلیاردر کرد. میشد با گذاشتن این افق روشن در مقابل خود پیشروی‌های بیشتری برای جنبش کارگری داشت و اگر چه توازن قوا در جایی چون سنج متفاوت است، اما چه بسا میشد در روز جهانی کارگر امسال شاهد اتفاقی همچون سنج، در تهران و دیگر شهرها بود. از همین رو به نظر من ندیدن اهمیت سیاسی اول مه امسال من مثل يك مانع عمل کرد. و این نکته ایست که در همان اولین بیانیه حزب کمونیست کارگری ما به مناسبت اول مه ما بر آن تاکید داشتیم. بعلاوه اگر به اول مه صرفاً به عنوان يك روز مشخص نگاه نکنیم، حتی اگر همه تلاشهای ما در تدارک این روز با سرکوب رژیم روبرو شده و به حرکت آکسیونی معینی در خیابان نیز منجر نمیشد، اما باز بدون شك دیدن جایگاه سیاسی اول مه امسال و تحولات سیاسی کنونی میتوانست نتیجه اش پیشروهای بیشتری برای سیر حرکت آینده ما باشد. حال اگر از همین زاویه به موضوع نگاه کنیم، حتی میتوانم بگویم در سنج نیز فضای برای پیشروی‌های بسیار بیشتری فراهم بود.

در همین رابطه بد نیست اشاره ای نیز به شرایطی اعتراضی در جامعه و جنب و جوش گسترده در جنبش کارگری به عنوان فاکتور دیگری که به کارگران فرصت تحرك سیاسی بیشتری در اول مه امسال میداد داشته باشم. از جمله در شرایطی که قانون‌های داغ اعتراضی در محیط‌های کارگری و کل جامعه گسترده است، میشد همه این قانون‌ها را به تجمعات پرشوری برای گرامیداشت اول مه تبدیل کرد.

يك نمود دیگر ندیدن اهمیت و جایگاه سیاسی اول مه امسال ندیدن

قدرت خودمان و انعکاس آن در کشاکش‌های درون حکومت و قشونکشی‌هایشان در برابر یکدیگر بود. دیدیم که چگونه در دعوای درونی شان شوراهای اسلامی جلو افتادند. دیدیم که مزدوران شورای اسلامی ضمن اینکه حمایت خود را از مرتضوی جنایتکار بر راس مدیریت تامین اجتماعی اعلام کردند، با تقاضای راهپیمایی اول مه و تهدید طرف مقابل به قشونکشی شان در این روز و با هشدار دادن به اینکه اگر مجوز داده نشود کارگران خودجوش بیرون خواهند آمد، سعی کردند داستان همیشگی خود و سهم خواهی‌هایشان را به پیش ببرند. در نتیجه نقطه سازششان هم ابقای مرتضوی جنایتکار بر پست مدیریت تامین اجتماعی و بردن مراسم یازده اردیبهشتشان بعنوان روز کارگر به داخل سالن مجتهدی بود. تا مبادا دست از پا خطا کنند و اوضاع از دستشان خارج شود و همان بلایی بر سرشان آید که تجربه اش را در سالهای قبل داشتند.

این کشاکش‌ها به روشنی نشان میداد که رژیم چقدر مستاصل است و ما امسال در موقعیت قدرتمندتری قرار داریم، اما حتی این فاکتور مهم سیاسی نیز بعضاً جای معکوسی در محاسبات برای تدارک روز جهانی کار داشت و آنجا که شوراهای اسلامی در دعوای درون حکومتی شان سخن از این گفتند که روز جهانی کارگر حق کارگر است و مجوز نمیخواهد، ما نتوانستیم بپریم جلو و با فراخوانهایمان جواب دندان شکنی به همه شان بدهیم. اما در سنج کارگران این موقعیت را دیدند و از قبل فراخوانشان را دادند.

ولی دومین نکته مهم ندیدن جایگاه و اهمیت قدرتمندی متحد رهبران و تشکلهای کارگری در اول مه امسال است. بطور مثال يك نقطه قوت اول مه‌های سال گذشته، از جمله اول مه در سال ۸۸ بیانیه‌های مشترک تشکل‌های کارگری به این مناسبت بود. امسال اگر چه بیانیه‌ها و قطعنامه‌های کارگری

به مناسبت اول مه بسیار بود، ولی ما از نقطه قوت سالهای گذشته خود و انتشار قطعنامه‌های مشترک که صف متحدی از رهبران کارگری و تشکلهای کارگری را به نمایش می‌گذاشت، محروم بودیم. در حالیکه فراخوان جهانی جنبش والستریت به اول مه مضمون این عمل مشترک را فراهم کرده بود. این کمبود دیگری بود که در بسیج نیروی وسیع کارگران و کل جامعه در اول مه امسال تاثیر گذاشت.

در خلاء همه این تمهیدات و با وجود همه این کمبودهاست که بسیاری از فعالین کارگری ناگزیر برای اینکه در این روز مهم اعتراضی به نوعی صدای اعتراض خود را بلند کنند، به اشکال سنتی تری از فعالیت از جمله روی آوردن به بریایی گلگشت و برپایی مراسم در جمع‌ها و محافل کارگری روی آوردند. فعالیت‌هایی که اگر در دو دهه قبل تلاشهای ارزنده‌ای برای زنده نگاهداشتن اول مه بود، امروز می‌بینیم که بطور واقعی از همه تحولاتی سیاسی ای که در آن قرار داریم عقب است.

بنابراین تمام صحبت من اینست که اگر با این افق که اول مه روز جهانی کارگری، روز اعتراض به سرمایه داری و همه مصایبش است، اول مه روز همه کارگران و همه ما ۹۹ درصدی‌هاست و با فراخوان جهانی که جنبش اشغال در برابر همه ما گذاشت به سراغ تدارک این روز میرفتیم و نیروی عظیم اجتماعی خود را برای چنین روزی بسیج میکردیم، بدون شك ما شاهد يك اول مه کاملاً متفاوت بودیم که صدایش جهانی میشد. و قابل تصور بود که در تهران و شهرهای دیگر نیز شاهد اول مه از نوع آنچه که در سنج اتفاق افتاد، باشیم.

خلاصه کلام اینکه اینها همه درسهای بزرگ اول مه امسال است. نیروی ما عظیم است، با صفتی متحد قطعنامه‌های اول مه مان را بدست گیریم. حول آن گرد بیاییم و به این بردگی و جهنم جمهوری اسلامی خاتمه دهیم.

زنده باد اول مه\*

## صدها نفر در سنندج به مناسبت اول مه دست به تظاهرات زدند



دستگیری و بازداشت کسی به دست ما نرسیده است. رژیم از چند روز قبل فضای شهر را نظامی کرده و تلاش کرد به هر قیمت مانع برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بشود، اما فعالین کارگری و مردم آزادیخواه نیز مانند سالهای گذشته با تصمیم به موقع و با ابتکار و آمادگی مراسم دستگیری و بازداشت کسی به دست ما نرسیده است. رژیم از چند روز قبل فضای شهر را نظامی کرده و تلاش کرد به هر قیمت مانع برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بشود، اما فعالین کارگری و مردم آزادیخواه نیز مانند سالهای گذشته با تصمیم به موقع و با ابتکار و آمادگی مراسم

را برگزار کردند و توده‌نی محکمی به جانیان اسلامی زدند. اخبار و اطلاعات دقیقتر را بعداً به اطلاع میرسانیم. زنده باد کارگران و مردم آزادیخواه سنندج گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

به جنبش ۹۹ درصدیها پیوندید! یا کار یا بیمه بیکاری! کارگریم، گرسنه ایم، کارگریم گرسنه ایم! زنده باد روز جهانی کارگر!

.....

این مراسم بر اساس فراخوان چند روز قبل "کمیته برگزاری مراسم اول مه سنندج" قرار بود در خیابان فردوسی برگزار شود، اما فعالین کارگری و مردم معترض ساعت ۵ و نیم عصر متوجه حضور سنگین نیروهای وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی و گارد ویژه در این خیابان شدند که تمام منطقه را به محاصره خود در آورده بودند. فعالین به همین دلیل محل تظاهرات را به خیابان سیروس تغییر دادند.

مردم آزادیخواهی که در دست کارگران جهان متحد شوید! کارگر، کارگر، اتحاد اتحاد! کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد!

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، ساعت ۶ بعداز ظهر امروز سهشنبه ۱۳۹۱ علی‌رغم آماده باش نیروهای سرکوب رژیم در شهر سنندج، تظاهرات اول مه با شرکت صدها نفر از کارگران و مردم آزاده این شهر برگزار شد. مراسم از همان آغاز با بالا رفتن تعداد زیادی پلاکاردهای سرخ به شکل راهپیمایی در خیابان سیروس شروع شد و کارگران و مردم آزادیخواه سنندج شروع به سر دادن شعار کردند. تعدادی از شعارها و پلاکاردهایی که در دست مردم بود به قرار زیر است:

## تظاهرات علیه قتل بارین ۱۹ ساله در شهر مالمو (سوئد)

programid=96&artikel=5090791

گزارش روزنامه آفتون بلادت  
aftonbladet انعکاس صحبتهای  
سارا محمد و نوروز

http://www.aftonbladet.se/nyheter/article14768058.ab

روزنامه سیتی انعکاس صحبت های  
سارا محمد

http://np.netpublicator.com/netpublication/n20521166

روزنامه داگتر نی هتر

http://www.dn.se/nyheter/sverige/manifestation-for-mordad-kvinna

http://www.dn.se/sok/?s=hedersmord

http://sverigesradio.se/sida/default.aspx?programid=2493

فیلم سخنرانی فریده آرمان در تظاهرات علیه خشونت ناموسی

http://www.youtube.com/watch?v=CWDiNJEW6W4

گزارش روزنامه سید سونسکا از تظاهرات دوم ماه مه در اعتراض به قتل ها و خشونت های ناموسی

http://www.sydsvenskan.se/malmo/mordade-19-aringen-hedrades

رادیو سوئد

http://sverigesradio.se/sida/artikel.aspx?

v/2791398/sydneyntv/studiointervju\_med\_fari\_deh\_arman

مصاحبه تلوزیون کانال 4 / استان اسکونه با مریم طاهری در مورد خشونت ناموسی  
2012/05/02

در قسمت SÖK مالمو را انتخاب کنید، وبعد تاریخ دوم ماه مه و ساعت ۱۹:۱۵ را انتخاب کنید.

http://www.tv4.se/nyheter/lokalt

مقاله فریده آرمان و مریم طاهری و حسن صالحی در مورد قتل ناموسی دختر ۱۹ ساله در در روزنامه سید سونسکا، ۲ مه ۲۰۱۲

http://www.sydsvenskan.se/opinion/aktuella-fragor/myndigheter-saknar-kunskap

مصاحبه رادیو پژواک با فریده آرمان در مورد قتل دختر ۱۹ ساله روز پنجشنبه

۱۸ سالگی شوهر خود را ترك کرده و به سوئد برمیگردد، ولی خانواده او با این عنوان که "شرف خانواده" باید حفظ شود حکم قتل این دختر را صادر کردند.

همه سخنرانان از اینکه این مسئله باید جدی گرفته شود و جامعه در قبال زندگی این جوانان و برعلیه خشونت ناموسی مسئول است و نیز اقداماتی که جامعه می تواند انجام دهد تا اینگونه خشونت ها کاهش پیدا کند صحبت کردند.

کمیته دفاع از حقوق زنان واحد مالمو فریده آرمان  
2012/05/03

لینک تعدادی از مصاحبه ها: مصاحبه تلوزیون سوئد / استان

اسکونه با فریده آرمان در مورد خشونت ناموسی  
۲ مه ۲۰۱۲

http://svtplay.se/

در گرامیداشت یاد بارین دختر ۱۹ ساله که قربانی خشونت ناموسی شد، تظاهراتی در روز دوم مه به ابتکار سازمان Tänk om دوباره فکر کن) و با همکاری سازمانهای دیگر از جمله کمیته دفاع از حقوق زنان و پلا و فادیمه را فراموش نکن در شهر مالمو برگزار شد، که بسیاری در آن شرکت کردند و سخنرانان در محکوم کردن خشونت ناموسی حرف زدند و هنرمندان برنامه اجرا کردند. سارا محمد و فریده آرمان از جمله سخنرانان این تظاهرات بودند. این مراسم انعکاس وسیعی در ملیای سوئد داشت که بخشی از آن در زیر آمده است. این دختر ۱۹ ساله به دست برادر نوجوانش و با تصمیم مادرش به قتل رسید.

بارین در سن ۱۱ سالگی از سوئد به کردستان عراق برده می شود و در سن ۱۴ سالگی به اجبار به عقد کسی که دوست نداشته در می آید و در سن

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## قطعه نامه ی کمیته ی برگزار کننده روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سندج

اول ماه مه ۲۰۱۲ مصادف با ۱۲ اردیبهشت ۹۱، روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران، برای بیان خواست ها و مطالبات این طبقه، جهت بهبود وضعیت زندگی آنان، رهایی از مشقات و نابرابری های نظام سرمایه داری و برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار طبقاتی است.

پیام روز جهانی کارگر، در اول ماه مه این است که کارگران در سرتاسر جهان، فارغ از نژاد، ملیت، زبان و مذهب، یک طبقه ی واحد جهانی هستند زیرا همگی در یک چیز مشترکند؛ آنان با فروش نیروی کار خود به صاحبان سرمایه در قبال دریافت مزد امرار معاش می کنند و نقش اصلی در تولید همه ثروت های مادی معنوی جامعه را دارند.

کارگران به عنوان اکثریت افراد جامعه، اگر متحد باشند و به شکل های مستقل و متکی به نیرو و اراده ی خویش اتکا کنند، و آن را با دانش و آگاهی طبقاتی همراه سازند، این قابلیت و توانایی را دارند که علاوه بر بهبود شرایط کار و معیشت خویش، برای محو نظام طبقاتی تلاش و مبارزه کرده و ایجاد جامعه ای آزاد، برابر و انسانی را مد نظر قرار می دهند.

امسال، کارگران مراسم اول ماه مه را در سرتاسر جهان، در شرایطی برگزار می کنند که نظام سرمایه آشکارا در بحرانی عمیق و همه جانبه دست و پا می زند و برای خلاصی خود از این بحران به هر دستاویزی چنگ می اندازد.

در سطح جهان، هم اکنون شاهد و ناظر تحولات و اعتراضات گسترده ای در آمریکا و کشورهای اروپایی با نام "اشغال والسریت"، "جنبش اشغال" و "جنبش ۹۹%" و ... هستیم که مستقیماً از جانب

کارگران این کشورها علیه نظام سرمایه داری سازمان داده می شوند. کارگران این کشورها به درستی اعلام می کنند که آنها اکثریت افراد جامعه را تشکیل می دهند که تمامی ثروت های مادی و معنوی آن را تولید می کنند. لذا باید از حقوق و مزایای آن نیز به طور کامل برخوردار شوند. این اقدامات پرشور و نوید بخش اگر با ایجاد و تقویت تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران همراه گردند و از حالت اعتراضات و تحرکات بی برنامه و پراکنده خارج شوند، می توانند نوید بخش آینده ای شکوفا و زندگی در خور انسان برای اکثریت قریب به اتفاق آحاد جامعه باشند. کارگران این کشورها که از فساد و سازش کاری بسیاری از اتحادیه ها و نهادهای به اصطلاح کارگری به ستوه آمده اند همراه با کارگران کشورهای عربی و شمال آفریقا که در کشورهایشان قیام هایی علیه دیکتاتوری های هار و مستبد حاکم صورت گرفته است باید با اتکا به اراده و توان طبقاتی خویش دست به کار ایجاد تشکل ها و سازمان های مستقل و طبقاتی خود شوند. این کارگران باید بتوانند با برنامه و هدفی مشخص و اتحادی سازمان یافته، با اتکا به قدرت و آگاهی طبقاتی خویش علیه نظام های سرمایه داری مبارزه کرده و بیش از پیش در جهت تامین منافع طبقاتی خود در عرصه های مختلف از جمله در عرصه ی اقتصادی و سیاسی و به طور مشخص کسب آزادی های دموکراتیک کوشا باشند.

ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی

بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم. داشتن یک زندگی انسانی و مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز حق مسلم ما است. ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی را با برپایی تشکل هایی مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران را از سر راه برخواهیم داشت.

در این راستا ما کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سندج، ضمن محکوم کردن هر گونه تهاجم به مراسم های اول مه و تایید بر لزوم تشکل یابی و اتکا به دانش طبقاتی و نیروی سازمان یافته ی کارگران به طور یکپارچه و متحد مواضع و مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواست های خود در سال ۹۱ اعلام می کنیم و برای تحقق فوری آن به صورت هر چه متشکل تر مبارزه خواهیم کرد:

۱. حداقل دستمزد اعلام شده از سوی شورای عالی کار (۳۸۹۷۵۴) کمتر از یک سوم خطر فقر اعلام شده توسط نهادهای دولتی و سرمایه داری و در واقع تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری است. ما ضمن رد روش سه جانبه گرایی و تعیین حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار خواهان افزایش حداقل دستمزد ها بر اساس اعلام نظر نمایندگان واقعی و منتخب کارگران مطابق با نرخ واقعی تورم می باشیم.
۲. ما ضمن محکوم نمودن موج اخراج و بیکار سازی کارگران و عدم امنیت شغلی که از نتایج اجتناب ناپذیر و ذاتی سرمایه داری است، خواهان اقدامات دسته جمعی و متحد کارگران علیه این وضعیت هستیم.
۳. ما خواهان لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و کارهای

بدون قرارداد و همچنین حذف شرکت های پیمانکاری از محیط ها و شرایط کار کارگران هستیم که نتیجه ی مستقیم و بلافاصله ی آن عدم امنیت شغلی کارگران و تمکین در قبال انواع ستمگری و بی حقوقی است.

۴. حذف یارانه ها که باعث ایجاد تورم و گرانی شده است بیشترین ضرر و زیان را به کارگران وارد نموده و چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر برای کارگران و توده ی محروم مردم به ارمغان نیاورده است. ما ضمن محکوم کردن این اقدامات خواهان اقدامات سازمان یافته ی کارگران علیه این گونه اقدامات هستیم.
۵. ما اقدامات اخیر سرمایه داران و عوامل آنان را برای تغییر قانون کار که اهدافی جز تامین هر چه بیشتر منافع سرمایه داران ندارند محکوم نموده و کارگران را به اتحاد و همبستگی علیه این گونه سیاست ها و این قبیل اقدامات فرا می خوانیم.
۶. ما ضمن اعلام پیشتیبانی و حمایت از اعتراضات و اعتصابات کارگران و توده های مردم به جان آمده در کلیه کشورها خود را متحد آنان دانسته و خواستار سازمان دهی و تعمیق مبارزات حق طلبانه آنان می باشیم.
۷. ایجاد و برپایی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب، حق تجمع، تحصن و راهپیمایی، حق آزادی بیان و نشر جزء حقوق مسلم ما کارگران است.
۸. ما ضمن محکوم نمودن جنگ افروزی و تحریم های اقتصادی از جانب تمامی دولت های جنگ طلب و فریبکار، که نتایج سوء و ویرانگر آن مستقیماً متوجه کارگران و مردم تحت ستم و استثمار خواهد بود، از همه ی هم طبقه ای های خود می خواهیم که با هشیاری، اتحاد و همبستگی طبقاتی خویش، تمامی توطئه ها و فریبکاری های دولت های جنگ طلب را در هر شکل و لباسی بر ملا نموده و نقشه های ضد کارگری

و ضد مردمی آنان را یکی بعد از دیگری افشا و خنثی نمایند.

۹. ما خواهان آزادی کلیه کارگران و فعالین کارگری زندانی و لغو احکام صادره و توقف پیگردهای قضایی و امنیتی علیه کارگران و فعالین کارگری از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، پدram نصرالهی، فرزاد احمدی، رسول بداقی، عبدالرضا قنبری، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، علی اخوان، مهدی شاندیز، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا و ... هستیم. کارگران برای آزادی هم طبقه ای های دربند خود از هر طریق ممکن دست به تلاش و مبارزه خواهند زد.
۱۰. کارگران اخراجی، کارگران و جوانان آماده به کار، زنان خانه دار، کارگران از کار افتاده و ... همه و همه بخشی از اردوی کار و طبقه ی اجتماعی کارگر هستند. ما کارگران خواستار ایجاد شغل برای تمامی کارگران بیکار و آماده به کار بوده و خواهان آنیم که به تمامی اقشار و بخش های مختلف کارگران تا زمان اشتغال به کاری مناسب، بیمه بیکاری مکفی تعلق گیرد.
۱۱. دستمزدهای معوقه کارگران و خسارت های ناشی از آن باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شوند و عدم پرداخت آن ها می بایست به مثابه جرم قابل تعقیب تلقی گردیده و مورد پیگرد قضائی قرار گیرد.
۱۲. ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی مراحل و شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم و از همه کارگران می خواهیم که برای به کرسی نشاندن خواست ها و مطالبات زنان به صورت متشکل دست به فعالیت و مبارزه بزنند.
۱۳. ما خواهان برخورداری تمام بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه ی اقتصادی هستیم و

## قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر اول مه ۲۰۱۲ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

اول ماه مه، روز اعتراض و همبستگی جهانی کارگران و تمامی انسانهایی است که برای نفس کشیدن و ادامه حیات، چیزی جز فروش نیروی کارشان ندارند. زنده باد اول ماه مه، و همبسته باد امید و تلاش توده های میلیونی کارگران و ستم دیدگان جهان برای برپایی دنیایی بهتر.

اول مه امسال بر متن بحران اقتصادی و جهانی شدن بیش از پیش تهاجم به زندگی و معیشت کارگران در پهنه گیتی و بر متن عروج جنبش اشغال وال استریت و اعتراضات لاینقطع کارگری در اقصی نقاط دنیا، کارگران جهان خیابانها را بیش از همیشه به تسخیر خود در خواهند آورد و جهان آکنده از فریاد برابری خواهی کارگران و جمعیت ۹۹ درصدی ها خواهد شد. رقم خوردن چنین وضعیتی در گستره ای جهانی در حالی است که ما کارگران ایران نه تنها به نحو کم سابقه ای با سخت ترین شرایط معیشتی و اقتصادی مواجه هستیم بلکه حق هیچ اعتراض متشکل و سازمانیافته ای را نیز به وضعیت موجود نداریم. در طول سه دهه گذشته، قراردادهای موقت و سفید امضا را بتدریج نهادینه کردند، افت قدرت خرید هر ساله کارگران را از طریق افزایش ناچیز دستمزدها نسبت به تورم موجود به امری عادی بدل نمودند، دست کارفرمایان را در عدم پرداخت موقوع دستمزدها و اخراج کارگران باز گذاشتند، شکل گیری و دوام و بقا تشکلهای مستقل کارگری را به مسئله ای بسیار پر هزینه برای رهبران و پیشروان کارگری بدل کردند. اما با اینحال و علیرغم

شرایط بسیار مشقت باری که بر کارگران در طول سالهای گذشته تحمیل شده است گردانندگان جامعه هیچ توقفگاهی را در تهاجم به حداقل معیشت و زندگی ما کارگران برای خود قائل نشده اند و نیستند، بطور دائمی و هر ساله و هر روزه با ارائه طرح و اجرای مصوبه ای، سفره خالی ما کارگران را خالی تر میکنند. عدم پرداخت دستمزدها، ناامنی شغلی و بیکار سازی کارگران از حد و حدود سالهای گذشته بسیار فراتر رفته است، همزمان و به موازات اجرای فاز اول طرح قطع یارانه ها، طرح اخذ ارزش افزوده را بر روی هر آن چیزی که می پوشیم و می خوریم و می نوشیم به اجرا در آوردند و به این وسیله بطور میانگین ماهیانه ۴،۵ درصد از حداقل دستمزد دریافتی زیر خط فقر ما، در حال واریز شدن به خزانه دولت است. با اجرای فاز اول قطع یارانه ها و در حالی که هزینه های زندگی در طول دو سال گذشته چندین برابر افزایش پیدا کرده است عملاً بیش از گذشته اقدام به کاهش حداقل دستمزدها کرده اند. به ضرر کارگران به قوانین بیمه بیکاری و بازنشستگی دست برده اند و علاوه بر همه اینها در حال حاضر وزارت کار نیز با تهیه پیش نویس اصلاحیه ای بر روی قانون کار موجود، در صدد تغییرات ضد کارگری تر در آن است. از نظر ما تداوم وضعیت موجود، سوق دادن زندگی و معیشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان از خط فقر به خط مرگ است. ما اعلام میداریم به وضعیت موجود باید خاتمه داده شود. ما کارگران دیگر تحمل اینهمه بی حقوقی و تهاجم هر

روزه به زندگی و معیشت خود را نداریم و متحد و یکپارچه در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد. در این راستا، ما با امضای این قطعنامه، همه کارگران در سراسر کشور را به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات باید به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند

۲- دستمزدهای کنونی با توجه به اجرای فاز اول طرح قطع یارانه ها و افزایش چندین برابری قیمتها، زندگی و معیشت کارگران را از خط فقر به خط مرگ رانده است. ما مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعا موجود و تامین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی هستیم

۳- اصلاحیه وزارت کار بر روی قانون کار موجود باید کنار گذاشته شود. هر گونه تغییر در قانون کار، بیمه کارگران و چگونگی محاسبه تعیین حقوق بازنشستگی باید با دخالت مستقیم و بلاواسطه نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران صورت بگیرد

۴- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضا، اجرای فوری بیمه تمامی کارگران ساختمانی، بر

چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استاندارد های بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

۵- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۶- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران در سراسر کشور هستیم

۷- ما با محکوم کردن تداوم سیاست بازداشت و اعمال فشار بر کارگران معترض، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- پدیده کودکان کار هر روز و بیش از پیش در حال گسترش است. کار کودکان باید بر بیافتد و تمامی کودکان باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان برخوردار شوند

۱۱- ما با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولتها برای سمت و سو دادن به تغییرات از بالای سر مردم، تحریمهای اقتصادی و ایجاد فضای جنگی از سوی هر نیرو و دولتی را قویا محکوم میکنیم

۱۲- کارگران مهاجر در ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم هستند. ما با محکوم کردن هر گونه ستم و تبعیض نسبت به کارگران مهاجر، خواهان برخورداری آنان از حقوق برابر شهروندی با مردم ایران هستیم

۱۳- ما از جنبش اشغال وال استریت و اعتراضات کارگری در کشورهای اروپایی و سایر نقاط جهان قویا حمایت میکنیم، خود را متحد آنان میدانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای راهی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم

۱۴- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد همبستگی سراسری کارگران ایران

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اول مه ۲۰۱۲ - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



## قطعه‌نامه چند تشکل مستقل جنبش کارگری ایران به مناسبت روز جهانی کارگر سال ۹۱

اول ماه مه ۲۰۱۲، مصادف با ۱۲ اردیبهشت ۹۱، روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران، برای بیان خواست‌ها و مطالبات این طبقه، جهت بهبود وضعیت زندگی آنان، رهایی از مشقات و نابرابری‌های نظام سرمایه‌داری و برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار طبقاتی است.

پیام روز جهانی کارگر، در اول ماه مه، این است که کارگران در سرتاسر جهان، فارغ از نژاد، ملیت، زبان و مذهب، یک طبقه‌ی واحد جهانی هستند زیرا همگی در یک چیز مشترکند: آنان با فروش نیروی کار خود به صاحبان سرمایه در قبال دریافت مزد امرار معاش میکنند و نقش اصلی در تولید همه ثروت‌های مادی و معنوی جامعه را دارند.

روز جهانی کارگر امسال در شرایطی برگزار میشود که در سطح جهان کارگران بسیاری فریاد بر می‌آورند که "ما ۹۹ درصد افراد جامعه و تولیدکننده‌ی ثروت‌های جامعه هستیم و باید برای کسب مطالبات خود بر علیه نظام سرمایه‌داری مبارزه کنیم." کارگران جهان همگی از این مبارزات پشتیبانی میکنند و اعلام میکنند که: کارگران به عنوان اکثریت افراد جامعه، اگر متحد باشند و به تشکل‌های مستقل و متکی به نیرو و اراده خویش اتکا کنند، و آن را با دانش و آگاهی طبقاتی همراه سازند، این قابلیت و توانایی را دارند که علاوه بر بهبود شرایط کار و معیشت خویش، برای محو نظام طبقاتی تلاش و مبارزه کرده و ایجاد جامعه‌ای آزاد، برابر و انسانی را مد نظر قرار دهند.

امسال، کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می‌کنند

که نظام سرمایه‌داری، برخلاف تبلیغات قلم به دستان و توجیه‌گران این نظام که سعی میکنند این نظام را تنها نظم ممکن برای ادامه حیات بشریت وانمود کنند، همچنان و بیش از پیش در بحرانی عمیق و همه‌جانبه دست و پا می‌زند و برای خلاصی خود از این بحران، به هر دستاویزی چنگ می‌اندازد.

سرمایه‌داری البته در سطح جهانی و داخلی تلاش می‌کند تا در جهت تأمین سود‌های هنگفت و نجومی خویش، حتی الامکان بار این نابسامانی، فشار و بحران را بردوش کارگران بیندازد و فقر و بی‌حقوقی بی‌حد و حصری را به این طبقه مولد جامعه تحمیل نماید.

به دنبال بحران سرمایه‌داری و در آغاز سال ۹۱، اخراج و بیکارسازی‌های گسترده کارگران، و عدم امنیت شغلی ابعاد بیشتری به خود گرفته است و کارگران با مبارزات برحق خود، هر روز بیش از پیش با اعتراضات دسته‌جمعی سعی در مقابله با این موج اخراج و بیکارسازی خواهند کرد. تورم و گرانی بیسابقه، توان کارگران برای خرید مایحتاج اولیه را به کلی از بین برده است. حداقل چهارم زیر خط تعیین شده توسط نهاد سرمایه‌داری شورایی عالی کار، به مبلغ ۳۸۹۷۰۰ تومان در ماه که مبلغی در حدود یک چهارم زیر خط فقر است، نشان‌دهنده این است که سرمایه‌داری می‌خواهد با دادن کمترین مقدار دستمزد و تحمیل استثمار بیشتر به کارگران همچنان بار بحران را بر دوش کارگران انداخته و سود خود را تضمین کند. در حالی که نرخ تورم توسط اتاق بازرگانی ۴۰ درصد و توسط مجلس ۲۰ درصد اعلام شده، حداقل دستمزد کارگران را بر

اساس نرخ تورم ۱۸ درصد افزایش داده‌اند که به هیچ وجه تناسبی با مخارج حداقل‌های زندگی کارگران ندارد. این مقدار دستمزد، تنها نابدی کارگران و خانواده‌هایشان را به دنبال خواهد داشت و نتیجه‌ای جز بدبختی و فقر و فلاکت و خانه‌خوابی برای این اکثریت مولد جامعه به بار نخواهد آورد.

اقدام به حذف یارانه‌ها که باعث ایجاد تورم و بیکاری و ایجاد گرانی در هزینه‌های زندگی کارگران شده است اکنون ماهیت اصلی خود را برای عموم کارگران نشان داده است. رواج بیشتر شرکت‌های پیمانکاری و رواج کارهای با قرارداد‌های یک ماهه، موقت و سفید امضا و عدم امنیت شغلی از جمله دیگر اقدامات سرمایه‌داری برای ایجاد فشار بیشتر بر کارگران و تضمین منافع خودشان است. اقدامات و مبارزات پیروزمندانه کارگران در پتروشیمی‌های ماهشهر و تبریز بر علیه شرکت‌های پیمانکاری از موفقیت‌های قابل تکرار توسط دیگر کارگران ایران است. همچنین اقدام برای تغییرات در قانون کار برای نفع هر چه بیشتر سرمایه‌داران از جمله اقداماتی است که قطعاً بیش از پیش باعث اعتراضات کارگران خواهد شد. این سیاست‌ها که تنها برای تأمین منافع سرمایه‌داری داخل و همراه شدن با نسخه‌ها و روش‌های سرمایه‌داری جهانی است اکنون علاوه بر ایران در دیگر نقاط جهان که با عناوینی چون ریاضت اقتصادی اجرا میشود باعث اعتراضات روزافزون کارگران شده است.

در سطح جهان از جمله در آمریکا و اروپا شاهد اعتراضات و جنبش‌های گسترده‌ی طبقه‌ی کارگر، همچون جنبش اشغال‌وال استریت،

اشغال خیابان‌ها، جنبش ۹۹٪ و اعتصابات و اعتراضات گسترده‌ی دیگری بر علیه نظام سرمایه‌داری بوده‌ایم. کارگران این کشورها به درستی اعلام میکنند که آنها اکثریت افراد جامعه هستند که تمامی ثروت‌های جامعه را تولید میکنند و خواهان این هستند که به حق و حقوق و مطالبات خود دست یابند. این اقدامات نوید بخش و پرشور طبقه‌ی کارگر در این کشورها باید با تقویت و یا ایجاد تشکل‌های مستقل و طبقاتی کارگران همراه شود و بیشتر و بیشتر از حالت اعتراضات بدون نقشه و هدف بیرون بیاید.

کارگران این کشورها که از فساد و سازشکاری اتحادیه‌های و نهاد‌های کارگری موجود به ستوه آمده‌اند باید به نیروی خود دست در کار ایجاد تشکل و نهاد‌ها و سازمان‌های مستقل خود شوند. این کارگران و نیز کارگران در کشورهای عربی و شمال آفریقا که در کشورشان بر علیه دیکتاتوری‌های حاکم در آن کشورها قیام شده است باید بتوانند با برنامه و هدف و اتحاد سازمان‌یافته و با قدرت و آگاهی بیشتری علیه نظام‌های سرمایه‌داری مبارزه کنند و هر چه بیشتر در جهت تأمین منافع خود اعم از منافع اقتصادی و نیز کسب آزادیهای دموکراتیک و سیاسی موفق شوند.

در شرایطی که سرمایه‌داری در سطح جهان برای حفظ بقای سیاسی خود دست و پا می‌زند، همچنین با اقدام به تحریم و تلاش برای جنگ افروزی در پی کسب سود بیشتر و به هرز بردن نیروی مبارزاتی طبقه‌ی کارگر است. کارگران ایران و جهان به عنوان اولین قربانیان جنگ، در صف اول مبارزه علیه جنگ طلبی خواهند بود زیرا به خوبی میدانند که این تحریم‌ها و هر گونه بهانه دادن برای جنگ و نیز هرگونه تهدید و اقدام به جنگ تماماً در خدمت طبقه سرمایه‌داری داخلی و خارجی و برای فرار از بحرانهایش، کسب سود از این

طریق و سهولت سرکوب کارگران و نیز سرگرم و مشغول کردن اذهان کارگران است.

اخراج و بیکارسازی و عدم امنیت شغلی، تعیین حداقل دستمزد به اندازه‌ی یک چهارم زیر خط فقر توسط نهاد سرمایه‌داری شورایی عالی کار، گرانی طاقت فرسا و تورمی که امان از کارگران بریده است، هجوم و تک‌تازی شرکت‌های پیمانکاری، بسط و رواج قرارداد‌های موقت و سفید امضا و افزایش رواج کارهای بدون قرارداد، تعطیلی کارخانجات، حذف یارانه‌ها، ستم و بی‌حقوقی مضاعف بر زنان، کار کودکان، حقوق‌های معوقه، شرایط معیشتی وخیم بازنشستگان، ناکارآمد بودن بیمه‌ها، دستگیری و حبس کارگران و فعالان کارگری و سرکوب هرگونه اقدام کارگران برای برپایی تشکل‌های خود ساخته و مستقل، عدم آزادی بیان و هرگونه آزادی فعالیت‌های سیاسی، عدم آزادی تحزب، اجرای احکام ضد انسانی اعدام‌همه و همه نشان از تحمیل بی‌حقوقی‌های بیشتر به طبقه‌ی کارگر و نشان‌دهنده‌ی ماهیت نظام سرمایه‌داری است.

ما کارگران در مقابل این وضعیت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولیدکنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم. داشتن یک زندگی انسانی و مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز، حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی خود را با برپایی تشکل‌های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی مان از سر راه خویش بر خواهیم داشت.

در این راستا ما تشکل‌های امضا کننده زیر، ضمن محکوم کردن هر گونه تهاجم به مراسم‌های اول ماه

## قطعنامه چند تشکل مستقل جنبش کارگری ایران به مناسبت روز جهانی کارگر سال ۹۱

از صفحه ۱۳

مه و تاکید بر لزوم تشکل یابی و اتکا به دانش طبقاتی و نیروی سازمان یافته ی کارگران، به طور یکپارچه و متحد، مواضع و مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواست های خود در سال ۹۱ اعلام می کنیم و برای تحقق فوری آن به صورت هر چه متشکل تر مبارزه خواهیم کرد:

۱- در حالی که خط فقر اعلام شده توسط نهاد های رسمی بیش از یک میلیون و سیصد هزار تومان در ماه است، حداقل دستمزد اعلام شده از سوی شورای عالی کار (۳۸۹۷۵۴ تومان) که با معیار نرخ غیر واقعی تورم به مقدار ۱۸٪ محاسبه شده، تحمیل مرگ تدریجی بر میلیونها خانواده کارگری است. ما ضمن رد روش سه جانبه گرایی و تعیین دستمزد توسط شورای عالی کار، خواهان مبارزات متحد و سازمان یافته ی کارگران برای افزایش دستمزد ها و براساس اعلام نظر آنان از سوی نمایندگان واقعی و منتخب آنان در تشکل های مستقل کارگری و از طریق اعمال نیروی طبقاتی آنان هستیم.

۲- ما کارگران ضمن مقابله با موج اخراج و بیکارسازی و عدم امنیت شغلی که سرمایه داری برای طبقه کارگر ایجاد کرده است، خواهان اقدامات دسته جمعی و متحد همه ی بخش های کارگری علیه این وضعیت هستیم. لازم است که ما کارگران، هر گونه مبارزه و تلاش برای خنثی کردن هرچه بیشتر اخراج و بیکارسازی و نیز تلاش برای بازگشت به کارمان را به شیوه ی جمعی و سازمان یافته انجام دهیم.

۳- ما خواهان لغو قراردادهای

موقت و سفید امضاء و کارهای بدون قرار داد و خواهان حذف شرکت های پیمانکاری هستیم که تنها نتیجه ی این وضعیت، عدم امنیت شغلی، دستمزد کمتر برای کارگران، حذف یا ناتمام بودن وضعیت بیمه، سود بیشتر برای سرمایه داری و استثمار و فشار بیشتر برای کارگران است. ما از کارگران شرکت های پیمانکاری و از کارگرانی که با قراردادهای موقت مشغول به کار میشوند و نیز از کارگران اخراجی می خواهیم با ایجاد تشکل های خود در برابر این وضعیت به مبارزه بپردازند.

۴- حذف یارانه ها که باعث ایجاد تورم و گرانی شده است بیشترین ضرر و زیان را به کارگران وارده نموده و چیزی جز فلاکت و خانه خرابی بیشتر برای کارگران و توده محروم مردم به ارمغان نیاورده است. ما کارگران خواستار توقف مرحله ی دوم حذف یارانه ها بوده و خواهان اقدامات سازمان یافته دیگر هم طبقه ای هایمان بر علیه اینگونه اقدامات هستیم.

۵- ما اقدامات اخیر برای تغییرات در همین قانون کار نیم بند را که تحت عنوان "اصلاحیه ی قانون کار" در دست اجراست را محکوم نموده و اعلام میکنیم این تغییرات هدفی جز تامین هرچه بیشتر منافع سرمایه داران ندارد. کارگران بدون شک با اتحاد و همبستگی علیه این سیاست ها و اقدامات ضد کارگری خواهند ایستاد.

۶- ما کارگران ایران، ضمن حمایت و اعلام پشتیبانی از اعتراضات، اعتصابات و اقدامات کارگران در کشورهای دیگر از

جمله در اروپا و آمریکا، ضمن اینکه خود را متحد آنان میدانیم، خواستار تقویت سازمانیابی و مبارزات هدفمند و با برنامه توسط این کارگران هستیم. این کارگران و نیز کارگران در کشورهای عربی و شمال آفریقا، برای کسب آزادی های سیاسی و همزمان کسب مطالبات اقتصادی و معیشتی هر چه بیشتر، لازم است با مقابله با نظام سرمایه داری، از طریق ایجاد تشکل ها، نهاد ها و سازمان های طبقاتی کارگری خود، مبارزاتشان را ادامه دهند. چنانچه کارگران با آگاهی طبقاتی و سلاح سازمانیابی به مبارزات بر حق خود ادامه ندهند، خطر رشد و تسلط جریانات هرج و مرج طلبانه و جریانات نژاد پرست افزایش خواهد یافت.

۷- برپایی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب، حق تجمع و راهپیمایی، حق آزادی بیان و نشر، جزء حقوق خدشه ناپذیر ما است. ما کارگران باید برای دستیابی به این خواسته ها به عنوان ابتدایی ترین حقوق انسانی و اجتماعی خود به صورت متشکل مبارزه کنیم.

۸- جنگ و تحریمی که از سوی سرمایه داری داخلی و جهانی برپا میشود نه به نفع کارگران ایران و نه به نفع کارگران جهان است. کارگران ایران و جهان در این عرصه، نه جانب سرمایه داری داخلی و نه جانب سرمایه داری جهانی خواهند بود.

۹- ما خواهان آزادی کلیه کارگران و فعالان کارگری زندانی و لغو احکام صادره و توقف پیگرد های قضایی و امنیتی علیه کارگران و فعالان کارگری از جمله رضا

شهابی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، پدram نصراللهی، فرزاد احمدی، رسول بداقی، عبدالرضا قنبری، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، علی اخوان، مهدی شاندیزو... هستیم؛ کارگران برای آزادی هم طبقه ای های دربند خود از طریق تلاش و مبارزه ی جمعی اقدام خواهند کرد.

۱۰- کارگران اخراجی، کارگران و جوانان آماده به کار، زنان خانه دار، کارگران از کار افتاده، تهیدستان و... همه و همه بخشی از اردوی کار و طبقه ی اجتماعی کارگر هستند. ما ضمن اینکه خواستار ایجاد شغل برای کارگران بیکار و آماده به کار هستیم؛ خواستار این هستیم که به تمامی اقشار کارگری تا زمان کسب شغل مناسب بیمه ی بیکاری تعلق بگیرد.

۱۱- دستمزدهای معوقه کارگران و خسارت های ناشی از آن باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شوند و عدم پرداخت آن ها می باید به مثابه جرم قابل تعقیب تلقی گردیده و مورد پیگرد قضائی قرار گیرد. همچنین مطالبات و خواسته های کارگران اعتصابی و معترض در سراسر کشور باید برآورده شود. همچنین ما خواهان اجرای طرح مشاغل سخت و زیان آور و محاسبه سنوات کاری برای این بخش از کارگران هستیم.

۱۲- ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم و از تمامی کارگران می خواهیم برای به کرسی نشاندن خواسته های و مطالبات زنان به صورت متشکل دست به مبارزه فراگیر بزنند. همچنین ما خواستار ایجاد مهد کودک رایگان در محیط های کار و تعلق گرفتن يك سال مرخصی زایمان با حقوق برای کارگران زن هستیم.

۱۳- ما خواهان برخورداری تمامی بانزستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمري بانزستگان را قویاً محکوم می کنیم.

۱۴- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر بخش های طبقه کارگر، از مبارزات تمامی آنان دفاع کرده و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان می باشیم و برای دستیابی به آن به صورت متحد و متشکل مبارزه خواهیم کرد.

۱۵- از آنجا که اکثریت کارگران فصلی و ساختمان از همین قوانین نیم بند تامین اجتماعی، از جمله بیمه، محروم هستند، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می کنیم؛ لازم است که این کارگران برای کسب مطالبات خود دست به ایجاد تشکل های مستقل خود بزنند.

۱۶- کارگران باید در محل کار خود از استاندارد های مربوط به ایمنی و بهداشت کار برخوردار باشند. به علاوه تمامی قوانین و استانداردهای جهانی مربوط به مشاغل سخت و زیان آور باید بدون قید و شرط و هر گونه عذر و بهانه ای به مرحله اجرا گذاشته شود.

۱۷- ما خواهان تامین موارد حداقلی رفاه اجتماعی از جمله خدمات بیمه های اجتماعی برای عموم، آموزش رایگان در تمامی سطوح، بهداشت و درمان رایگان و خدمات عمومی رایگان از جمله حمل و نقل عمومی میباشیم. همچنین اختیار و مدیریت سازمان تامین اجتماعی که از آن کارگران است و با پرداختی های کارگران تامین میشود باید به خود کارگران برگردانده شود.

ادامه صفحه ۱۵

# زنده باد سوسیالیسم!

## مراسم دولتی خانه کارگر به مناسب روز جهانی کارگر بصورت دست چین شده و تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد

### قطعهنامه ی کمیته ی برگزار کننده روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سندج

از صفحه ۹

۱۹. ما بدین وسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان و حق تشکل یابی آنان اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویا محکوم می کنیم.

۲۰. ما خواهان لغو حکم اعدام بوده و هر گونه ابراز عقیده و اعتراض، حق آزادی بیان، حق ایجاد احزاب، نهاد ها و تشکل های سیاسی و اجتماعی را حق مسلم و خدشه ناپذیر مردم به حساب آورده و خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی و توقف پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم.

۲۱. ما بخشی از طبقه ی جهانی کارگر هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم و ضمن قدرانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

۲۲. اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی باید گردد.

اول ماه سال ۲۰۱۲ دوازده اردیبهشت سال ۱۳۹۱.

روز جانی کارگر  
زنده باد همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه ی کارگر - زنده باد اول ماه مه  
کمیته ی برگزار کننده ی روز جهانی کارگر ۲۰۱۲ سندج

هر گونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویا محکوم می کنیم.

۱۴. ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار و بخش های طبقه کارگر و مبارزات آن ها برای به کرسی نشاندن آن خواست ها خواهان تحقق فوری مطالبات آنان بوده و به صورت متحد و متشکل مبارزه خواهیم کرد.

۱۵. از آنجا که اکثریت کارگران فصلی و ساختمانی از همین قوانین نیم بند تامین اجتماعی و به طور مشخص بیمه ی این سازمان نیز محروم هستند ما از اعتراضات این بخش از طبقه ی کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی خویش دفاع نموده و از آنان می خواهیم که برای ایجاد تشکل های مستقل خود دست به تلاش و مبارزه بزنند.

۱۶. کارگران باید در محل کار خود از استانداردهای مربوط به ایمنی و بهداشت کار برخوردار باشند. به علاوه تمامی قوانین و استانداردهای جهانی مربوط به مشاغل سخت و زیان آور باید بدون قید و شرط و هر گونه بهانه ای به مرحله ی اجرا گذاشته شود.

۱۷. ما خواهان تامین موارد حداقلی رفاه اجتماعی از جمله خدمات بیمه های اجتماعی برای عموم، آموزش رایگان در تمامی سطوح، بهداشت و درمان رایگان و خدمات عمومی رایگان از جمله حمل و نقل عمومی می باشیم.

۱۸. تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و یک زندگی شاد برخوردار شوند.

این دانشگاه متعلق به خانه کارگر و متشکل از دانشجویانی است که توسط خانه کارگر به این دانشگاه معرفی میشوند. قبل از شروع مراسم و در بین برخی اتوبوسهای حامل شرکت کنندگان در مراسم، قطعهنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر توزیع شد. آندسته از کارگرانی که بصورت خود جوش در این مراسم حضور پیدا کرده و پلاکاردهایی نیز با خود آورده بودند بدلیل فضای امنیتی و کنترل شدید مراسم ناچار به عدم استفاده از پلاکاردها شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱

خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

۲۲. اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

اول ماه سال ۲۰۱۲ - دوازده اردیبهشت سال ۱۳۹۱ - روز جهانی کارگر  
زنده باد همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر - زنده باد اول ماه مه  
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری  
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری  
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

مهاجر و کالاهای خارجی تاخت و تاز کرد و تلاش نمود وضعیت مشقت بار کنونی کارگران ایران را به گردن این کارگران و تبلیغات کالاهای خارجی بیاندازد. پس از سخنرانی صادقی هنگامی که علیرضا محبوب اقدام به سخنرانی کرد تعدادی از کارگران منجمله برخی اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران که بصورت خود جوش در این مراسم حضور پیدا کرده بودند اقدام به ترك سالن کردند. در این مراسم دو هزار نفر شرکت کرده بودند که علاوه بر اینکه نیمی از آنان بصورت دست چین شده به مراسم آورده شده بودند نیمی دیگر نیز از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علمی کاربردی بودند. بخش عمده

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران امسال نیز همچون سالهای گذشته خانه کارگر در واهمه از حضور توده های میلیونی کارگران در خیابانها، عوامل دست چین شده خود را صبح زود از مقابل خانه کارگر در خیابان ابوریحان به ورزشگاه معتمدی در دروازه غار منتقل کرد و با گذاشتن نگهبان در دم درب ورودی، دست به کنترل کامل مراسم زد. این در حالی بود که نیروهای امنیتی و انتظامی حضور بسیار گسترده ای در اطراف ورزشگاه پیدا کرده بودند تا چنانچه کارگران موفق شوند این مراسم را بدست گیرند به کمک خانه کارگر بشتابند. در این مراسم صادقی به کارگران

### قطعهنامه چند تشکل مستقل جنبش کارگری ایران به مناسبت روز جهانی کارگر سال ۹۱

از صفحه ۱۴

زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم.

۲۰. ما ضمن اینکه خواهان لغو حکم اعدام هستیم هر گونه اعتراض، ابراز عقیده و آزادی بیان، حق تحزب، نهادها و تشکل های سیاسی و اجتماعی را حق مسلم و خدشه نا پذیر مردم می دانیم و خواستار آزادی کلیه ی زندانیان سیاسی و توقف پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم.

۲۱. ما بخشی از طبقه جهانی کارگر هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم و ضمن قدرانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و

۱۸. نظام سرمایه داری با هدف پایین نگه داشتن دستمزد ها به هدف سودآوری و استثمار بیش تر، عامل کار کودکان است. تمامی کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسانی برخوردار شوند.

۱۹. ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان و حق تشکل یابی آنان اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به

## پیام کارگران زندانی به مناسبت اول مه

گرامی باد اول ماه می  
از زندان تبریز

داری هیچ گونه راه رهایی از سلطه و استثمار باقی نمانده است. بدون سرنگونی سرمایه داری، استثمار، کشتار و جنگ ها پایان نخواهند یافت، کارگران مطالبات خود را کسب نخواهند کرد، خلق ها حق تعیین سرنوشت خود را بدست نمی آورند.

تا سرمایه داری بر قرار است جامعه بشری در میان جنگ های سلطه طلبانه جناح های مختلف سرمایه داری مورد ستم و استثمار بوده و دست به دست شده گاهی به زانده این جناح از سرمایه داری و گاهی به زانده جناح دیگر تبدیل خواهند شد.

ما به جد اعتقاد داریم، نقطه عزیمت رهایی تمامی بشریت از سلطه و استثمار سرمایه داری با همبستگی داخلی و جهانی لایه ها و قشر های مختلف طبقه کارگر، با عملی شدن شعار وحدت و تشکیلات می گذرد. که در روند این پروسه قبول آلترناتیو کارگری در مقابل سرمایه داری راه نوین و تنها راه ممکن در جهت آزادی تمامی بشریت است.

ما ضمن بیان خوشحالی خود از مبارزات بی وقفه طبقه کارگر، روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران و خلق های آزادیخواه تبریک می گوئیم و آرزو داریم در راستای همبستگی و متشکل شدن در مقابل سرمایه داری به راه های ثمر بخشتری دست یابیم

به امید چنان روزی ...

شاهرخ زمانی

جمهور آژوگچ

از زندان مرکزی تبریز

۹/۲/۱۳۹۱

کارگران انقلابی، خلق های مبارز امروز به نقطه تاریخی رسیده ایم. سرمایه داری ناتوان از پاسخگویی به نیاز های جامعه ی بشری است، با افزایش هر روزه سلطه فاشیسم گونه خود در اقصا نقاط جهان، دست به انواعه مختلف سرکوب های سیستماتیک و عریان می زند. برای جلوگیری از پیشروی طبقه کارگر و خلق های آزادیخواه به اشکال مختلف جنگ راه انداخته یا درگیری های موجود را دامن می زند. با استفاده از هزاران ابزار تبلیغاتی نیاز های کاذب ایجاد کرده، تارهای عنکبوتی اقتصاد سلطه گرانه خود را در تمامی زوایای زندگی انسانها می گستراند.

از این طریق ضمن کسب فوق سود، هر روز بردگی و سی وارگی انسان ها را بیشتر کرده، جامعه بشری بخصوص طبقه کارگر را به بن بست می کشاند، از همبستگی داخلی و جهانی کارگران و خلق های آزادی خواه جلوگیری می کند.

در مقابل، کارگران و خلق های آزادی خواه جهان همچون خلق کرد هر روز به اشکال جدید مبارزاتی دست می زنند. هر روز صف بندی طبقاتی میان کارگران با سرمایه داری و خلق ها و مردم آزادی خواه روشنتر می شود، در چنین وضعیتی نیاز به سازماندهی بیشتر و دقیقتری داریم تا بتوانیم در مقابل ترفند ها و فریب های سرمایه داری داخلی و جهانی هر چه بیشتر همبستگی طبقاتی را ایجاد کرده، به سمت برقراری سوسیالیسم گام برداریم.

کارگران، خلق های مبارز و مردم آزادیخواه اکنون به نقطه ای رسیده ایم که بدون سرنگونی نظام سرمایه

بیانیه کارگران دربند به مناسبت روز کارگر: دستمزدهای ناچیز و سفره های تهی خسارات جبران ناپذیری به کارگران زده است

تتشکل و سندیکاهای کارگری مستقل و راهپیمایی و اعتراضی و برگزاری مراسم اول ماه می، روز جهانی کارگر، را نمی دهد و با برگزار کنندگان مراسم اول ماه می به شدت برخورد می نماید. کارگران ایران به صورت واقعی و گسترده و مستقل از تشکل های دولتی از حق برگزاری مراسم اول می محروم هستند. ضرب و شتم و دستگیری و زندانی کردن اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد توسط تشکیلات حکومتی و شوراها ی اسلامی کار، زندانی کردن اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و فعالان کارگری در پارک لاله تهران و دیگر دستگیری ها نمونه های فجعش بر نقض آشکار حقوق کارگران ایران هستند.

کارگران ایران به ویژه فعالین کارگری زندانی این روز بزرگ را گرامی داشته و امیدواریم در سال جدید هیچ کارگر و انسان آزادی خواهی به خاطر حق خواهی و طرح مطالبات صنفی و سیاسی خود در ایران و دیگر کشور ها دستگیر و زندانی نباشد. این بیانیه با تصریح پنج درخواست از سوی این دو کارگر دربند در تبیین حقوق و خواسته های صریح در جهت احقاق این حقوق قانونی به پایان رسیده است. متن کامل این بیانیه که در اختیار کلمه قرار گرفته به شرح زیر است: روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که میلیون ها کارگر ایرانی در شرایط بسیار سخت معیشتی به سر می برند و اعتراض خود را به شکل های گوناگون همچون سالیان گذشته ابراز می دارند و همچنین در این رابطه تعدادی از فعالین سندیکاهای و دیگر تشکل های کارگری در زندان به سر می برند. روز جهانی کارگر به پاسداشت مبارزات خونین کارگران به ویژه کشتار کارگران شهر شیکاگو برای اجرای هشت ساعت کار در تاریخ مبارزات کارگری به عنوان روز

جهانی کارگر شناخته شد. از آن تاریخ عموم کارگران جهان و همچنین کارگران ایران این روز را گرامی داشته و اعتراضات و خواسته های خود را به ویژه در این روز اعلام می کنند. در کشور ما اول ماه می مصادف با یازدهم اریبهشت است اما دولتمداران ایران به کارگران در تشکل های مستقل کارگری اجازه هیچ گونه اعتراض و راهپیمایی نمی دهند و با کارگران با شدت هرچه تمام تر برخورد می کنند و حق مسلم ما کارگران در داشتن حقوق اولیه مان در ایجاد تشکل ها و سندیکاهای کارگری را پایمال نموده اند. روز کارگر و حق اعتراض و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در بیشتر کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده است.

دستمزدهای ناچیز، سفره های تهی کارگران و همچنین افزایش تورم، عوارض و خسارات جبران ناپذیری را برای کارگران به وجود آورده است. شعارها و عملکرد مسوولان برای رفع مشکل کارگران اثر چندانی ندارد. شرایط به گونه است که طبقه کارگر و دیگر اقشار جامعه زحمتکش نمی توانند شان خود را با شرایط کنونی حفظ کنند و دولت ایران با وجود این که یکی از امضا کنندگان مقاله نامه های بین المللی سازمان جهانی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۳) است اما هیچ گاه حقوق اساسی کارگران را مطابق با استانداردهای بین المللی رعایت نمی کند.

مطابق قانون و کنوانسیون های بین المللی تشکیل نهادهای کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما حق کارگران است اما دولت ایران به کارگران اجازه ایجاد



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Workers Communist Party of Iran  
www.wpiiran.org



## فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه در اعتراض به سطح دستمزدها، اخراج سازه‌ها، عدم پرداخت دستمزدها و اصلاح قانون کار

با امضای طومار اعتراضی در سراسر کشور، از زندگی و معیشت خود به دفاع بر خیزیم

قوانین بازنشستگی و بیمه بیکاری دست برده اند که حاصل آن چیزی جز تحمیل بی حقوقی بیشتر بر ما نیست. وزارت کار اصلاحیه ای را بر روی قانون کار موجود تنظیم کرده و بزودی قرار است جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شود. بر اساس این اصلاحیه مرخصی سالیانه کاهش پیدا کرده، مبنای احتساب اضافه کاری به ضرر کارگران تغییر یافته و دست

کارفرمایان در اخراج کارگران باز گذاشته شده و...، دوستان و همکاران باید به هر نحو ممکن و به هر شکلی که میتوانیم اعتراض خود را به وضعیت موجود اعلام کنیم. اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر و در اعتراض به وضعیت مشقت بار کنونی، اقدام به انتشار و توزیع نامه ای اعتراضی به وزیر

و همچنین به تعطیلی کشانده شدن بسیاری از کارخانه ها، سایه اخراج بطور دائمی بر بالای سر ما قرار دارد و روزی نیست که صدها و هزاران نفر از ما در سطح کشور از کار بیکار نشویم. بیمه کارگران ساختمانی آنطور که باید به اجرا در نیامده است. علیرغم مصوبه دولت مبنی بر برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری، این شرکتهای همچنان مشغول چپاول ما هستند، در

دستمزد تعیین شده در سال ۹۱ ندارند بلکه این هزینه ها و تورم چندین برابری در حال سوق دادن زندگی و معیشت ما کارگران و خانواده هایمان از خط فقر به خط مرگ هستند. از طرفی در بسیاری از کارخانه ها این دستمزدها را نیز بموقع پرداخت نمیکنند و این مسئله به یک روال تبدیل شده است. با وجود قرار دادهای موقت و سفید امضا

کارگران و همکاران در سراسر ایران همانگونه که همه ما میدانیم طی سی سال گذشته تورم و گرانی هر ساله عرصه را بر زندگی و معیشت ما کارگران تنگ تر کرده است. اما با اجرای فاز اول قطع یارانه ها و زمزمه آغاز فاز دوم آن، طی چند ماه گذشته به یکباره هزینه های زندگی بطور سرسام آوری چندین برابر شد. تورم موجود و این هزینه ها نه تنها ذره ای تناسب با حداقل

دستمزد تعیین شده در سال ۹۱ ندارند بلکه این هزینه ها و تورم چندین برابری در حال سوق دادن زندگی و معیشت ما کارگران و خانواده هایمان از خط فقر به خط مرگ هستند. از طرفی در بسیاری از کارخانه ها این دستمزدها را نیز بموقع پرداخت نمیکنند و این مسئله به یک روال تبدیل شده است. با وجود قرار دادهای موقت و سفید امضا

### بیانیه کارگران دربند به مناسبت روز کارگر: دستمزدهای ناچیز و سفره های تهی خسارات جبران ناپذیری به کارگران زده است

از صفحه ۱۶

۵- حمایت از اعتراضات کارگران در همه کشورها که بر اثر بحران های اقتصادی و افزایش فقر و شکاف طبقاتی به وجود آمده است.

رضا شهابی عضو هیات مدیره و مسئول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اسعد (بهنام) ابراهیم زاده

زندان اوین بند ۳۵۰  
اردیبهشت ۱۳۹۱

۳- ایجاد کار برای کارگران بیکار و رفع هرگونه نابرابری میان کار زنان و مردان، لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال، افزایش دستمزد ها مطابق با آمار و ارقام واقعی، امنیت شغلی کارگران و لغو قرار دادهای سفید امضا و موقت ۴- پایان یافتن اخراج، تعقیب، بازداشت و زندانی کردن مدافعان حقوق کارگران و تمامی فعالان سندیکایی و دیگر تشکل ها.

۵- حمایت از اعتراضات کارگران در همه کشورها که بر اثر بحران های اقتصادی و افزایش فقر و شکاف طبقاتی به وجود آمده است. در پایان ما از تمامی کارگران و زحمتکشان و فعالین کارگری و تشکل های مستقل کارگری و شخصیت های مردمی مدافع حقوق کارگران و انسان های آزاده می خواهیم با اتحاد و همبستگی خود روز جهانی کارگر را هر چه با شکوه تر برگزار کرده و بر

### اول مه امسال یک پیشروی... از صفحه ۱۸

کمونیست ها، به فضائی رادیکال و رزمنده تبدیل شد و شروع دوره جدیدی از رادیکالیسم و گسترش ایده های سوسیالیستی و کمونیستی را نوید داد.\*

۹۹ درصدی ها روشن بود که فضا در حال تغییر است و اول مه به وضوح نشان داد که دنیا به چپ چرخیده است. اول مه امسال در



### کمیپن برای آزادی کارگران زندانی

شاهلا دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com  
00447779898968

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

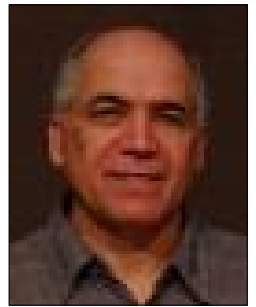
<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

بهرام سروش

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## اول مه امسال یک پیشروی برای سوسیالیسم و طبقه کارگر در سطح جهان بود



اصغر کرییما

از صفحه ۱

اتحادیه های سترون و سازشکار غلبه کرد. حتی برخی اتحادیه ها را وادار به شعارهای رادیکال تر کرد. اولین بار بود که در تورنتو و ونکوور اتحادیه های کارگری به صف اول مه پیوستند، در ونکوور شعار قدرت به ۹۹ درصدی ها را بر پوستر خود اضافه کردند و در تورنتو هزاران نفر در مارش اول مه با شعارهای سوسیالیستی و رادیکال شرکت کردند.

فعالین حزب کمونیست کارگری در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکای شمالی به سهم خود نقش روشنی در گسترش شعارهای رادیکال و سوسیالیستی ایفا کردند. پوسترها، پلاکاردها و بنرهای بزرگ و کوچکی که توسط واحدهای حزب کمونیست کارگری تهیه شده بود زینت بخش بسیاری از راهپیمایی ها و میتینگ های اول مه شد. صدها پوستر و پلاکاردها با شعارهای همه قدرت به ۹۹ درصدی ها، آینده از آن ماست، زنده باد سوسیالیسم، نابود باد کاپیتالیسم، یک دنیای بهتر ممکن است، رفاه، نه ریاضت اقتصادی، دست یک درصدی ها از کره ارض کوتاه و شعارهای مشابه دیگری توسط دهها واحد حزب تهیه شده و طبق گزارش کمیته های حزب در خارج مردم با علاقه این پلاکاردها را از فعالین حزب تحویل می گرفتند و به اهتزاز درمی آوردند.

پلاکاردهای با تصاویر فعالین کارگری زندانی در ایران نیز در بسیاری از راهپیمایی ها به چشم می خورد. همچنین هزاران اعلامیه حزب به زبان های زنده دنیا در میان مردم توزیع شد و در برخی شهرها کادرهای حزب از سخنرانان و سازماندهندگان تظاهرات بودند و سخنرانی های پرشوری ایراد کردند. با شروع انقلابات در شمال آفریقا و خاور میانه و تظاهرات های جنبش

رادیکال تر بود. از روسیه تا پرتغال و یونان و اسپانیا، از ترکیه تا اندونزی و کره جنوبی و از آلمان تا فرانسه و سوئد و آمریکای شمالی میلیون ها نفر در هزاران مارش اول مه شرکت کردند، علیه سیاست های ریاضت اقتصادی، علیه اخراج و ناامنی شغلی، علیه بی حقوقی و بی اختیاری و علیه نظام و دولت های سرمایه داری اعتراض کردند و صحنه های باشکوهی از اتحاد، همبستگی و مبارزه را به نمایش گذاشتند. فضای رادیکال تر و رزمنده تر همه جا مشهود بود و در برخی نقاط پلیس با خشونت به تظاهرات کنندگان حمله کرد. این ویژگی ها را رسانه های رسمی و بورژوازی به روی خود نیاوردند و کتمان کردند اما کافی است اشاره کنیم که در آمریکای شمالی که دهها سال است سنت اول مه را محو کرده اند، در اکثر شهرها تظاهرات شد که به درگیری با پلیس انجامید و در آلمان صدها هزار نفر در بیش از ۴۰۰ نقطه راهپیمایی کردند.

تحریکی که از سال قبل توسط جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکای شمالی و اروپا به راه افتاده است، امسال مهر خود را بر اول مه کوبید و شعارهای ما همه ۹۹ درصدی هستیم و همه قدرت به ۹۹ درصدی ها در بسیاری از تظاهرات ها رنگ و بوی تازه ای به اول مه داد و بر فضای رخوت



## سازمان عفو بین الملل و سوراخ دعایی که گم شده است!

از صفحه ۳

هورا بکشند و بگویند سازمانهای حقوق بشری فقط به ما اعتراض میکنند و باید از عفو بین الملل یاد گرفته و از حجاب و اسلام دفاع کنند!!

حجاب البته فقط محدود به حجاب کودکان نیست. در اروپا زنان بزرگسال هم محجبه هستند و هر از چند گاهی جنگ و جدل در مورد استخدام و یا عدم استخدام زنان محجبه در محیط های کار و فعالیت اجتماعی به گوش میرسد؟ دفاع بی قید و شرط از حضور زنان محجبه و یا زنان با برقع در محیط کار از سوی عفو بین الملل، سطحی نگری محض و یک اسکاندال سیاسی است.

متأسفانه در اروپا يك استاندارد ناقص در مورد جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش وجود دارد این موسسات باید در همه جا خنثی بوده و هر نوع علائم و نشانه های مذهبی باید از این موسسات کنار گذاشته شوند. متأسفانه در اروپا این استاندارد مهم حقوق بشری کاملاً رعایت نمیشود. من و بسیاری از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی و سکولاریست ها و اومانیتها بر این باور هستیم که حجاب بزرگسالان نیز باید همچون مذهب اشان امر خصوصی آنها باشد و در محیط کار و فعالیت اجتماعی، نباید این علائم مذهبی حضور داشته باشند. یعنی اینکه وقتی شما به بیمارستانی میروید و میخواهید مداوا شوید، پزشک و جراح شما به هیچوجه نباید علامتی با خود حمل کند که تعلق ایدئولوژیک و یا مذهبی او را نشان ده، چرا که ممکن است این تعلق با اعتقادات شما که بیمار هستید در

جهت عکس و مخالف باشد و احساس امنیت شما را خدشه دار کند. پس يك استاندارد مهم حقوق بشری اینست که در محیط کار این علائم کنار گذاشته شوند، آیا عفو بین الملل از این حق انسانی دفاع میکند یا نه؟

بهمین ترتیب میخواهم اضافه کنم که تدریس مذهب در مدارس باید جای خود را به تدریس و مطالعه درباره انواع اعتقادات و زمینه های تاریخی و اجتماعی پیدایش و رشد آنها، بدهد. عفو بین الملل باید مانع دست اندازی مذاهب و موسسات مذهبی به ذهن و فکر کودکان باشد و از جنبش اعتراضی همه ما سکولارها و مدافعین حقوق انسانی که خواهان کوتاه کردن دست کلیسا و سازمانهای اسلامی از مقدرات مردم هستیم، دفاع کند و نه برعکس.

راسیسم در اروپا و تحقیر و ستم بر علیه بیگانه و خارجی يك واقعیت انکارنا پذیر در این جوامع است. احزاب دست راستی و راسیستی، با نشان دادن حجاب و برقع و با نشان دادن ترور و تهدید جریانهای اسلامی، آنها را به "مردم مسلمان" منتسب کرده و بر علیه این مردم فضا سازی میکنند. باید در مقابل راسیسم و سازمانهای دست راستی راسیستی ایستاد ولی اولین قدم دفاع از این مردم، پاک کردن مهر "مسلمانان" از پیشانی این مردم است. در دفاع از این مردم باید از حقوق انسانی و از انسانیت آنها دفاع کرد و نه از حجاب و برقع و دخالت سازمانهای اسلامی در زندگی آنها. و یا از فرهنگ و مناسبات زن ستیز و انسان ستیزی که اساساً توسط سازمانهای اسلامی و جنبش اسلامی با تهدید و ترور و شانتاژ و ساختن مساجد

ویژه، جاری و اجرا میکنند. این سازمانها نه فقط زنان را مجبور به رعایت حجاب میکنند، نه فقط از فرهنگ و مناسبات قرون وسطایی با زور و کتک و تهدید و ترور دفاع میکنند، بلکه تا همین الان چندین زن و دختر قربانی قتل های ناموسی در خانواده و ... در انگلستان شده اند. کجاست سازمان حقوق بشری که با صدای رسا اعلام کند شریعه ضد انسانی است و باید در اروپا زنان حق نفس کشیدن و زندگی داشته باشند و ما از حق دختران جوان برای دوست پسر داشتن و بی حجابی دفاع میکنیم؟

و شاید بد نیست در پایان اضافه کنم که من با شما چندین بار در مورد غش کردن عفو بین الملل در رابطه با مسائل ایران در آغوش "اصلاح طلبان و دوم خردادها" صحبت کرده ام. این گروه ها خود در جمهوری اسلامی شریک بوده و مسئول سرکوب ها و جنایات دهه اول حکومت اسلامی هستند. در مقابل این تمایل عفو بین الملل حساسیت خود را به نهادهایی همچون کمیته بین المللی علیه اعدام و یا سنگسار نشان داده و بارها در اینمورد با شما حرف زده ام. بد نیست اینرا برای آگاهی عموم اعلام کنم که حتی وقتی در مورد کمپین نجات سکینه محمدی

آشتیانی که برای همه مردم دنیا معلوم بود چه کسانی و کدام سازمانها این کمپین را سازمان داده اند، و خود شما اخبار این کمپین را از من میگرفتید و یا شماره تلفن تماس با افراد در ایران را نیز از ما دریافت کردید، در "گزارش شما" نام سازمان ما و فعالین این کمپین حذف میشود و شما و سازمان متبوعتان افراد درجه چندی را که ربطی به این کمپین نداشتند، معرفی و قهرمانان مدافع حقوق بشر معرفی میکنید. آقای دروری دایک!

احترام به فعالیتهای هزاران نفر مدافع حقوق انسانی در صفوف عفو بین الملل، نباید منجر به کنار آمدن با سیاستهایی شوند که بنظر من قابل نقد و در مواردی مضر هستند. دنیا بویژه با انقلابات اخیر و با جنبش های عظیم اجتماعی در یکی دو ساله اخیر بسیار تغییر کرده است. مردم بسیار هوشیار و در عین حال فعال شده اند و روزانه در حال مبارزه در دفاع از حقوق انسانی خود هستند. عفو بین الملل امروز زیر ذره بین این مردم است و باید فکری بحال سیاستهای خود بکند. برای شما آرزوی موفقیت دارم. با تشکر مینا احدی \*

### تلفن تماس با حزب از ایران

شلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۸۹۹۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

[markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

# اساس سوسیالیسم انسان است!



## دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در سنندج باید بدون قید و شرط آزاد شوند

## نسان نودینیان: جهت اطلاع افکار عمومی!

### نسان نودینیان: پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران



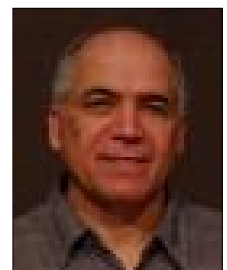
کمونیستی و دخالتگر بیش از هر دوره ای برای من و تمام کمونیستهاییکه برای سوسیالیسم و لغو کارمزدی در تلاشند به یک ضرورت سیاسی تبدیل شده است. طبقه کارگر و جامعه در حال تحول در ایران به یک حزب مستحکم و بزرگ و موثر برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع کمونیسم و هژمونی سیاسی طبقه کارگر و برای خلع ید از بورژوازی نیاز دارد. در جواب به این نیاز و ادامه فعالیت کمونیستی ام است، که به حزب کمونیست کارگری ایران، می پیوندم.

دوم ماه مه ۲۰۱۲  
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱

چند روز قبل در جلسه رفقای مبارزان کمونیست پایان همکاری ام در ظرفیت مبارزان کمونیست را اعلام و به رفقا تصمیم پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران را اطلاع دادم.

در ایندوره با تجربیاتی که در چند سال گذشته پشت سر گذاشته ام، نیاز به پیوستن و تقویت تحزب

### اصغر کریمی: به نسان نودینیان



جامعه متحول ایران به یک حزب مستحکم و بزرگ نیاز دارد و خوشحالیم که قصد داری تلاش هایت برای تقویت هرچه بیشتر حزب کمونیست کارگری را از درون حزب ادامه دهی. جای بسیاری از رفقای دیگر هم در این حزب خالی است. صمیمانه برایت آرزوی موفقیت میکنم.

اصغر کریمی  
رئیس هیئت اجرایی حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۲ مه ۲۰۱۲

به نسان نودینیان عزیز پیوستنت به حزب کمونیست کارگری موجب خوشحالی همه ما در حزب و همه کسانی که به سرنوشت این حزب علاقمندند شد. همانطور که نوشته ای طبقه کارگر و

نشده اند. برگزاری مراسم اول مه حق همه مردم است. مجرم واقعی مقامات و نهادهای حکومتند که به صف شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر حمله کردند. دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در سنندج، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

که دستگیر شدگان یک ماه در زندان خواهند ماند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این دستگیری ها را شدیداً محکوم می کند و از کارگران و مردم مبارز سنندج می خواهد که برای آزادی این عزیزان در مقابل زندان یا سایر مراکز دولتی دست به تجمع اعتراضی بزنند. دستگیر شدگان و خانواده های آنها را نباید تنها گذاشت. باید با تمام قوا به حمایت از آنها برخاست و جمهوری اسلامی را وادار کرد که عزیزان دستگیر شده را فوراً آزاد کند. دستگیر شدگان جرمی مرتکب

کمیته کردستان حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۳ مه ۲۰۱۲  
۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۱



انترناسیونال  
نشریه حزب کمونیست کارگری  
سردبیر: بهروز مهرآبادی  
kazem.nikkhah@gmail.com  
دستیار سردبیر: نازیلا صادقی  
ای میل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!